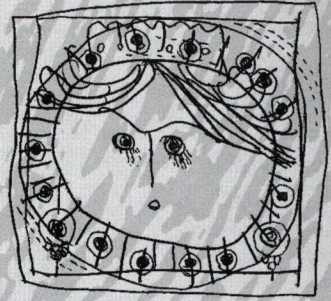


نشریه روزانه
سیزدهمین
شماره بین المللی
نمایش عروسکی
تهران

چهارشنبه ۳۰
تیر ماه ۱۳۸۹



جشنواره سیزدهم در یک نگاه



سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران مبارک از ۳۱ تیر ۸۹ در تالارهای تهران کار خود را شروع کرده و با مراسمی که در فرهنگسرای نیاوران در روز ۵ مرداد خواهد داشت پایان می‌یابد.

این جشنواره در بخش‌های صحنه‌ای، میدانی و فضای باز، کارگاه‌های آموزشی و سمینار علمی برگزار خواهد شد که تنها در بخش بین‌الملل مهمانانی از کنسورهای فرانسه، آلمان، هلند، سوئیس، بوسنی و هرزگوین، آرژانتین، انگلستان و ایتالیا را میزبانی می‌کند.

در بخش صحنه‌ای از میان ۳۱۹ اثر متقاضی، ۲۱ نمایش به جشنواره راه پیدا کرده‌اند که توسط حمیدرضا اردلان، یوسف صدیق و آزاده پورمختار انتخاب شده‌اند.

در بخش فضای باز و نیمه‌شب‌بازی نیز از میان ۴۲ اثر رسیده ۲۵ نمایش با انتخاب مسلم قاسمی، ایرج محمدی و فریبا رئیسی در جدول قرار گرفتند.

در بخش دانشگاهی نیز ۲۶ اثر متقاضی بوده‌اند که ۶ نمایش با انتخاب علی پاک‌دست، کریم سعیدیان و منصور پاک‌بین اجرا خواهند شد.

۶ نمایش با موضوع قصص قرآنی و ۶ نمایش در بخش کودک و نوجوان جشنواره حضور دارند و ۶ نمایش نیز از میان آثار پیشکوتان و استادان در بخش مهمان اجرا می‌شوند.

در بخش نمایشنامه‌نویسی از میان ۴۲ اثر رسیده به دبیرخانه جشنواره ۳ نمایشنامه برگزیده شده‌اند که توسط داود کیانیان، جواد ذوالفقاری و حمیدرضا اردلان انتخاب شده‌اند.

اما در بخش بین‌الملل ۱۲۷ اثر دریافت شده که از آن میان ۱۱ اثر از ۸ کشور یاد شده در فضای باز و صحنه به نمایش در می‌آیند.

سالن‌ها و اجراهای صحنه‌ای
۱۴ سالن تئاتر تهران میزبانی جشنواره تئاتر عروسکی را بر عهده دارند. ۵ سالن مجموعه تئاتر شهر، تالار هنر، تماشاخانه سنگلج، خانه نمایش اداره تئاتر، تالارهای بوستان و گلستان کانون پرورش فکری، تالارهای مهر و ماه حوزه هنری، تالار فی دوسی و تالار خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران از ۳۱ مرداد

به اجرای آثار صحنه‌ای جشنواره اختصاص دارند. **بخش‌های جنبی جشنواره سیزدهم** را آغاز کرده یکی از جالب توجه‌ترین بخش‌های جشنواره است. روش ساخت عروسک‌های غول‌پیکر توسط فلور ماریک فونتس از فرانسه، ساخت عروسک‌ها و ماسک‌های آفسانه‌ای لکوک از فرانسه، ساخت عروسک توسط وسایل دورریختنی توسط تینا آیش‌زاده، اوروگامی توسط آذر مبارکی و ساخت و ساز عروسک‌های باتومی و تاپ تپیل با استفاده از مواد نرم توسط ایرج محمدی کارگاه‌هایی هستند که با رویکرد آموزش ساخت انواع عروسک شکل گرفته‌اند و تا آخرین روز جشنواره ادامه دارند.

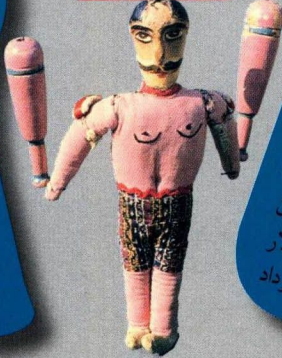
یکی دیگر از بخش‌های جنبی جشنواره برایی سمینار بین‌المللی نمایش عروسکی است که با عنوان «سنت، عروسک، نمایش» از ۲۹ تا ۳۱ تیرماه در مجموعه تئاتر شهر و از ساعت ۱۵ تا ۱۹ برگزار می‌شود. چاپ ۸ عنوان کتاب از دیگر اقدامات دبیرخانه جشنواره است که همزمان با برگزاری جشنواره منتشر می‌شوند. علاقه‌مندان به کتاب‌های تئاتر عروسکی می‌توانند عناوین قصه بخت، دختران باغ قالی، و گفت امروز بین و...، نفرین عاشقانه برای آتش، ماه پیشونی چنین بود، تئاتر عروسک، بازی با آتش و فرهنگ عروسک‌ها و عروسک‌های آئینی و سنتی ایران را دنبال کنند.

یکی دیگر از بخش‌های جنبی جشنواره، برایی نمایشگاه بزرگ عروسک‌های ایرانی است که با حضور ۷۰۰ عروسک در فرهنگستان هنر برپا می‌شود. این نمایشگاه از ۳۰ تیر تا ۱۴ مرداد در معرض دید علاقه‌مندان قرار دارد.

بخش میدانی و فضای باز
فضای باز مجموعه تئاتر شهر در تمام روزهای برایی جشنواره و از ساعت ۱۷ تا ۲۱/۳۰ پذیرای نمایش‌های میدانی است که با فاصله نیم ساعت از یکدیگر اجرا می‌شوند.

در این بخش نیز ۲ نمایش از کشورهای آلمان و فرانسه حضور دارند. ایومل از آلمان و کسرت کهکشانی از فرانسه در تمام روزهای جشنواره اجرا خواهند شد.

Tehran International Puppet Theatre
Mobarak 22 July 2010



نقد و مقاله: رضا آشفته، رحیم عبدالرحیم‌زاده، محمد مطلق، مهدی نصیری
انگلیسی: سمیه قاضی‌زاده
حروف نگار: ابراهیم نجفی
ویراستار: جواد قاسمی
صفحه‌آرا: حمیدپریش
مدیر فنی و ناظر چاپ: محمد حسین دوست‌محمدی

مدیر اجرایی: حمید هنری
دبیر عکس: رضا موسوی
گروه عکس: ساغر برکات، مهدی حسنی، سارا ساسانی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، آزاده نوزاد، شکوفه هاشمیان
خبر و گزارش: ندا آل طیب، مهرداد ابوالقاسمی، مریم رضازاده، فرزین ریحانی، زهراشایان فر، نیکو مهدیه

نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران- مبارک
زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
مدیر مسئول: اردشیر صالح‌چور
سر دبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری: حسین نوروزی

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی از ۱۹ تا ۲۶ مرداد با دبیری رحمت‌الله محرابی در ۹ تالار نمایشی شهر تهران و در ۶ بخش مسابقه بین‌الملل، مسابقه ایران، مرور، ویژه بین‌الملل، جنبی و فضای باز برگزار شد.

مروری بر
دوازدهمین
جشنواره
بین‌المللی
تئاتر
عروسکی
تهران -
مبارک (مرداد)
ماه (۱۳۸۷)

از جشنواره مورد تقدیر قرار گرفتند که شامل «مرد کوچک» نوشته جاهد جهانشاهی، «امه پیشونی» نوشته بحرینی مطلق و «مشکل در دسرساز» نوشته صفری نژاد می‌شد.

بخش بین‌الملل و مهمانان خارجی جشنواره

۶ نمایش ایرانی و ۷ نمایش از ۴ کشور هلند، بلاروس، اتریش و ایتالیا در بخش بین‌الملل جشنواره دوازدهم به رقابت پرداختند و توسط ۵ داور ارزیابی شدند. یوسف صدیق، هما جدیکار، ژاک ترو دو از کانادا، استفانو کیونچی از ایتالیا و یوری الکسی بویت سامیلوف از روسیه این بخش را داوری کردند.

کشور ایتالیا با دو نمایش «آلیس در آینه» به کارگردانی پترو فناتی و «پونچینلا» چهار دست» به کارگردانی لوکا رونگا و گاسپار ناسوتو و کشور اتریش با دو نمایش «فلوت سحرآمیز» و «یوهان اشتراوس و دوشیزه دانوب» به کارگردانی ورنر هیرزر و گرهادتت شینگر و بلاروس با نمایش «قلعه شنی» به کارگردانی الکسی لیلیفسکی و هلند با دو نمایش «قورباغه» به کارگردانی کوئن ون دیجک و «کانتوس انیماتا» به کارگردانی شارلوت بویک پولن به جشنواره دوازدهم تهران - مبارک آمدند.

هیأت‌های داوری

بخش فضای باز این جشنواره توسط حمیدرضا افشار، علی پاکدست و سعید درویش نژاد داوری شد. بخش مسابقه ایران نیز یازده داور داشت که شامل مسلم قاسمی، کریم سعیدیان، ایرج محمدی، داود کیانیان، شادی پورمه‌دی، آزاده پورمختار، محمد نعمتی‌پور، اردشیر صالح‌پور، محمد عاقبتی، محمد اعلمی و آذر مبارکی می‌شد که باید به عنوان بدعتی منحصر به فرد در تاریخ جشنواره‌های کشور از آن یاد کرد.

جوایز این جشنواره نیز به طور شگفت‌انگیزی به آینده پیوند خورده بود. اعطا کمک هزینه تولید به نمایش‌های آینده گروه، اجرای عمومی، ضبط تلویزیونی نمایش‌ها با همکاری مؤسسه رسانه‌های تصویری و تعلق درآمد آن به گروه‌ها جوایزی بودند که دبیرخانه جشنواره را از پرداخت‌های سنتی مبالغ هدایا معاف می‌کرد. دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک از حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در اجرای عمومی نمایش‌های برگزیده جشنواره برخوردار بود.

فروافتادن پرده دوازدهم

مراسم پایانی دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی همچون مراسم آغازین با کارگردانی محمد حبیبی شکل گرفت. تقدیر از دو هنرمند تئاتر عروسکی از جمله برنامه‌های این شب بود. یوسف صدیق و بیژن نعمتی شریف با دریافت لوح تقدیر و جایزه نقدی تجلیل شدند.

تالارهای اصلی، چهارسو، قشقای، سایه و کارگاه نمایش از مجموعه تئاتر شهر در کنار تالارهای هنر، سنگلج، خانه نمایش و فردوسی شاهد اجرای ۲۵ نمایش در بخش مسابقه ایران، ۱۳ نمایش در بخش مسابقه بین‌الملل، ۱۷ اثر در بخش فضای باز، ۵ نمایش در بخش مرور، یک نمایش در بخش ویژه بین‌الملل و یک نمایش در بخش جنبی بودند. در مجموع این جشنواره با ۸۲ اجرای صحنه‌ای و ۶۸ اجرای فضای باز پشت سر گذاشته شد.

دبیر جشنواره دوازدهم، تعداد آثار صحنه‌ای رسیده به جشنواره را ۲۹۶ اثر اعلام کرد که ۱۶۱ اثر از تهران و ۱۳۵ اثر نیز متعلق به گروه‌های شهرستانی بودند. از بین ۳۷ نمایش فضای باز که متقاضی شرکت در این جشنواره بودند ۱۹ اثر از تهران و ۱۸ نمایش نیز از شهرستان‌ها شرکت کرده بودند.

بخش جنبی و مرور فعالیت‌های پژوهشی

بخش جنبی دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی به تنهایی شامل چند بخش مجزا بود که از آن میان باید به برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مسابقه نمایشنامه‌نویسی و چاپ آثار پژوهشی اشاره کرد.

۹ کارگاه آموزشی این جشنواره از ۲۰ مرداد تا ۲۶ مرداد برگزار شد که کارگردانان گروه‌های خارجی آن را به انجام رساندند. کارگاه آموزشی «نمایش عروسکی در چین، اندونزی، هلند و خاورمیانه» با حضور نیل ون در لیندن از کشور هلند، کارگاه آموزشی «نمایش عروسکی کانادا» با حضور ژاک ترو دو، داور کانادایی و دبیر کل یونیم و کارگاه آموزشی «دست انسان، مادر دراماتورژی عروسکی است» از مبارک تا پونچینلا توسط استفانو کیونچی داور ایتالیایی جشنواره برگزار شد.

در این بین گروه نمایش اتریش، هلند و دبیر کل یونیم و گروه نمایش «آلیس در آینه» نیز ضمن دیدار با هنرمندان ایرانی کارگاه‌هایی را برگزار کردند که بیشتر به معرفی تلاش‌هایشان در اجرای هنر عروسکی اختصاص داشت.

به مناسبت برگزاری این جشنواره ۵ عنوان کتاب نیز به چاپ رسید که شامل دو نمایشنامه و سه عنوان کتاب تئوری نمایش عروسکی بود. نمایشنامه‌های «علی بابا و چهل دزد بغداد» نوشته جواد ذوالفقاری و «اوسنه گمشده» نوشته طلا معتضدی در کنار «مقدمه‌ای بر فانتزی» نوشته شیوا مسعودی، «زبان عروسک» با ترجمه شیوا مسعودی و «عروسک‌ها و نمایش عروسکی» با ترجمه آزاده نوری و همایون فرید با همکاری انتشارات نمایش چاپ و منتشر شدند. سه نمایشنامه نیز در این بخش

دریچه‌ای بر زمان





حمید شاه‌آبادی
معاون امور هنری
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



می خواهیم به مخاطبان نزدیک‌تر شویم

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی با بولتن جشنواره تئاتر عروسکی از اهمیت این گونه نمایشی در غنای روح آدمی و همچنین مسائل و مشکلات این حوزه از هنر تئاتر صحبت کرد. حمید شاه‌آبادی که از ابتدای سال جاری این سمت را برعهده گرفته اهمیت تئاتر عروسکی را همچون اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیتی و روانی هر فرد می‌داند.

از تئاتر عروسکی و جشنواره دوسالانه تئاتر عروسکی تهران - مبارک بگوئید.

از دید من اهمیت این جشنواره به اندازه اهمیت دوران کودکی است. اگر چه جشنواره تئاتر عروسکی را تنها متعلق به کودک نمی‌دانم اما به حق آن طور که کودکی در زندگی انسان نقش دارد، این جشنواره هم در مجموعه جشنواره‌ها و در حوزه هنر نقش آفرین است. خیلی از طبایع و ویژگی‌ها، خلقیات و رفتارها و منش‌های انسان شکل گرفته از دوران کودکی اوست. در دوران کودکی بسیاری از نقاط قوت و ضعف زندگی فرد رقم می‌خورد. اهالی و متخصصان این حوزه معمولاً نظر خاصی به این دوره دارند و در روایت ما هم این بحث به طور جدی مطرح است که آن چه کودک می‌آموزد به سان نقشی که در سنگ جاودانه می‌ماند در ضمیر او حک می‌شود، بنابراین اگر چه تئاتر عروسکی به این معنا نیست که فقط مخاطب کودک داشته باشیم اما اگر بخواهیم مقایسه کنیم به اندازه این دوران با اهمیت است چرا که نقشی که این جشنواره و این نوع از تئاتر می‌تواند در زندگی ما انسان‌ها ایجاد کند، یادآور اثرها و ویژگی‌های دوران کودکی است. جشنواره تئاتر عروسکی و این ژانر از نمایش، قوه خیال را در ما تقویت می‌کند. به اصطلاح کودک درون انسان را زنده می‌کند. به این دلیل که فرد می‌تواند آن چه در عالم واقع دست‌نیافتنی است را در این عالم تجربه کند، و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. همه ما به این که با قوه خیالمان به افق‌هایی

دست پیدا کنیم که شاید در واقعیت نمی‌توانیم نیاز داریم و این گونه و این ژانر از نمایش ابزاری است که ما را به این هدف می‌رساند.

از رویکرد و برنامه‌های که برای حمایت از آن دارید بگوئید؟

رویکرد ما در دوره جدید این است که برای این حوزه از نمایش قطعاً شرایط بهتری فراهم کنیم. البته میزان استقبال مخاطبان ما را به این که چه قدر باید مورد توجه باشد راهنمایی خواهد کرد. ولی در وزارت ارشاد همین که بین ۷ یا ۸ جشنواره‌ای که در سال برگزار می‌کنیم و بعد از جشنواره فجر، بیشترین بودجه را به این حوزه اختصاص داده‌ایم نشان از اهمیت این موضوع دارد. همین که بخش بین‌الملل آن بیش از دیگر جشنواره‌ها، مهمان و اثر خارجی می‌پذیرد نشان از اهمیتی است که معاونت هنری و اداره کل هنرهای نمایشی به این سبک از نمایش دارد. موانع جدی در این حوزه وجود دارد اما رویکرد ما این است که تلاش می‌کنیم دامنه مخاطبان آن بیشتر از گذشته شود و ما نیز بیش از قبل بتوانیم از آثاری که در این حوزه است حمایت کنیم. حمایت‌هایی هم که تا به حال انجام گرفته در این راستا بوده اما موانعی وجود داشته‌اند.

به کدام موانع اشاره می‌کنید؟

اول بحث سالن‌هاست. همه سالن‌های ما ظرفیت کار عروسکی را ندارند. اگر چه ما به طور کل از یک ضعف عمومی در تعداد سالن‌های تئاتر رنج می‌بریم اما در نمایش عروسکی علاوه بر ضعف در کمیت سالن‌ها با ضعف در کیفیت نیز روبه‌رو هستیم. سالن‌های موجود پاسخ‌گویی این ژانر و این سبک از تئاتر نیستند. ممکن است که در یک فضای چند منظوره بتوان یک تئاتر اجرا کرد اما تئاتر عروسکی امکانات و مقتضیات خاص خودش را می‌خواهد. دکورسازی و عروسک‌سازی آن کار را خیلی پرهزینه می‌کند. چاره‌ای نداریم که در این راستا راه‌های میان‌بر

بسازیم.

یکی از این راه‌های میان‌بر را توضیح بدهید. یکی از موضوعاتی که در دست مطالعه است و امیدوارم بتوانم در دهه فجر به عنوان خبر نهایی آن را اعلام کنم، هر چند که ساده به نظر برسد، محل نگهداری دکورها و عروسک‌ها است. بسیاری از زحماتی که در این حوزه کشیده می‌شود به دلیل نبود امکانات نگهداری دکورها عملاً از بین رفته و بسیاری از هزینه‌ها دور ریخته می‌شود. چاره‌ای نداریم جز این که به ساز و کار مکانی برای نگهداری از این دکورها بیاوریم و به سمت آن حرکت کنیم که انبار عملیاتی داشته باشیم. باید یک دکور، یک لباس، یک عروسک بیش از گذشته استفاده شود و این قدر زود از بین نرود. این کار مقداری از هزینه‌ها را کم می‌کند. در بخش پشتیبانی این کار را انشالله به جد دنبال می‌کنیم. در بخش محتوایی نیز نیاز است تا کار پژوهشی گسترده‌تری انجام شود. باید ببینیم چه بخشی از این آثار می‌تواند بیشترین ارتباط را با مخاطب برقرار کند. گام اول ما در راه محتوا این است که تحقیق میدانی بیشتری انجام بدهیم و متون یا سبک‌ها و شیوه‌هایی که توانسته‌اند بیشترین ارتباط را با مخاطب برقرار کنند و بیشترین تأثیر را بر مخاطب بگذارند را در درجه اول اهمیت و عنایت قرار دهیم.

آیا ساخت سالن را هم در برنامه دارید؟

ضعف حوزه فرهنگ در فضای کالبدی، ضعف اساسی است. ما در دیگر شهرها به‌ویژه مراکز استان‌ها و به خصوص در تهران از کمبود فضاهای نمایش رنج می‌بریم. طبیعتاً اولویت‌ها هم برای این حوزه مشخص است اما گام اول این است که فضاهای موجود را بیشتر از گذشته استفاده کنیم. در حال حاضر همین سالن‌های موجود ما هم، با همه محدودیت‌هایی که داریم ترجیح می‌دهند که برای پر کردن برنامه‌هایشان به سمت تئاتر عروسکی نروند. چون زحمت آن خیلی زیاد است. بنابراین اولین

گام این است که از فضاهای موجود بهره‌برداری بهتری داشته باشیم. قطعاً در بودجه‌های عمرانی که در سال‌های آینده و در ردیف‌های دولتی شاهد آن خواهیم بود به سمت این ساز و کار هم خواهیم رفت. اما در حال حاضر و با تأسف، شرایط خوبی برای این حوزه نمی‌بینم، خصوصاً در سال ۸۹ هیچ بودجه‌ای برای کار عمرانی وجود ندارد. دنبال این هستیم که در بودجه سال ۹۰ به بعد، آرام آرام بودجه‌ای را برای بحث عمرانی تأثیر اختصاص دهیم که اگر اختصاص پیدا کند، قطعاً سال‌های عروسکی در اولویت هستند.

دوستان عروسکی ما جدا از مشکل اعتباری که به نمایش عروسکی تعلق می‌گیرد با مسئله اجرای عمومی کارهایشان بعد از هر جشنواره مواجه هستند و مدت زمان زیادی را باید به انتظار نوبت اجرا بمانند.

در اولین فرصت جدول تمام اجراهای جشنواره‌های گذشته که تعهد شده‌اند را اعلام می‌کنیم. این قول را می‌توانیم بدهیم که هر آن‌چه که ما و در گذشته مدیران قبلی و مدیران کل تعهد کرده‌اند، امسال اجرا شوند. طبیعتاً ممکن است با توجه به محدودیت منابع و محدودیت زمان رضایت همه را در پی نداشته باشیم اما این حداقل کاری است که ما می‌توانیم انجام دهیم. کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که به هنرمند بگوییم امسال اجرا نداریم اما سال دیگر در فلان تاریخ اجرا داری تا بداند جزو جدول هست. در شش ماهه اول سال توصیه‌ام به دوستان این بود که هر آن‌چه که می‌توانند از این کارها را جا بدهند. برنامه شش ماهه اول امسال را با این نگاه بسته‌ایم و بنا به گزارشی که من دارم تا جای ممکن برنامه‌های تعهدی جشنواره‌ها در آن جا داده شده است. اما هر آن‌چه در این جدول جا داده نشده باشد را ما در مهر ماه و در جدول زمان‌بندی شش ماهه دوم اعلام می‌کنیم. تا پایان شهریورماه جدول ما بسته است و از اول مهرماه که اجراها با سیاست‌های جدید آغاز می‌شود هر کاری مانده باشد را اجرا خواهیم کرد. توجه داشته باشید که محدودیت منابع و امکانات وجود دارد ولی این مانع زمان‌بندی نیست.

چگونه فاصله اجرای جشنواره تا اجرای عمومی نمایش‌ها کمتر خواهد شد؟

درباره آینده هم با توجه به رویکردی که به اجرای عمومی داریم این فاصله خیلی کاهش پیدا خواهد کرد. این به آن معنی است که تولیدمان، حتی در سال آینده جشنواره عروسکی هم این چنین خواهد بود. نمایش‌هایی که بتوانیم از اجرای عمومی آن حمایت کنیم در اولویت قرار دارند. فرض ما این است که ابتدا اجرای عمومی صورت بگیرد. به اعتقاد من همه چیز خوب است، اجراها خوب است، حمایت

خوب است، بین‌الملل خوب است و... به شرط این که از مسیر اجرای عمومی بگذرد! این که نمایشی فقط به جشنواره راه پیدا کند و بعد در نوبت اجرا بماند درست نیست. اگر چه آن هم یک سبک است و بخشی از کار هم این طور پیش خواهد رفت؛ انکار نمی‌کنم، اما باید به اندازه ظرفیت‌مان این کار را انجام دهیم. ما باید اول بیشترین حمایت را برای اجرای عمومی اثر فراهم بکنیم، مردم بهترین داور آن خواهند بود. اگر در فرایند اجرای عمومی شبکه‌دوری ما اظهار نظر خودش را بکند و در جشنواره‌ها بخش مروجان بخش جدی باشد این بحران در سال‌های آینده کاهش پیدا خواهد کرد.

کمی از مباحث جدی فاصله بگیریم، آخرین نمایش عروسکی که دیده‌اید کدام کار بود؟

یادم نمی‌آید که بعد از کار آقای غریب‌پور کار عروسکی دیگری دیده باشم.

اولین کار عروسکی که دیده‌اید کدام کار بود؟
اولین کار عروسکی که دیدم «حسنک کجایی» بود که در دوره‌ای آن را دیدم، و یک دوره‌ای هم در آن بازی کردم. اگر توضیح بیشتری بدهم خیلی لو می‌رود که من بچه‌گی‌هایم چه کار کرده‌ام! نمایش خیلی قشنگی بود.

همان اجرایی را دیدید که در کانون کار شد؟
زمان کودکی ما به دوران قبل از انقلاب بازمی‌گردد که به دلیل تعلقات دینی زیاد دور و بر کانون نمی‌رفتیم. اما ما «حسنک کجایی» را در مسجد محله‌مان کار کردیم و یادم است که خیلی در مردم محل تأثیر گذاشت. زمان بچگی ما در دوران طاغوت بود و روی بار انقلابی و ظلم‌ستیزی نمایش هم خیلی کار شده بود. حتی یادم است که آیه ان الله یغیر الی به قوم را در بالای کار ساخته بودند. حسنک که همه را به رفتن تشویق می‌کند و می‌شوند که «حسنک ما می‌مونیم و تو برو، حسنک گرگارو ما می‌رونییم و تو برو، حسنک دست خدا همراه تو» می‌رود به دنبال خورشید. این مبارزه با ظلمت، بار ضد ظلم زیادی داشت که از آن زمان حلاوتش در من باقی مانده است.

با چه شیوه‌ای اجرا شده بود؟

من که جزو عوامل اجرایی اصلی نبودم اما کوهی که با یونولیت ساخته بودند و عروسک‌ها از دل آن در می‌آمدند فضای زیبایی درست کرده بود. عروسک‌های آن دستکشی بود و علاوه بر آن بازیگر زنده هم داشت. شخصیت‌ها هم عروسک بودند و هم بازیگر زنده.

به شخصه از کدام شیوه عروسکی خوشتان می‌آید؟

کارشناس نیستم. امروزه در فضای تلویزیون عروسک‌های تن‌پوش می‌آیند و جدی‌تر می‌شوند. اما ما که با عروسک‌های دستکشی و مایه بیشتر

مانوس هستیم، اگر عروسک‌گردان خبره‌ای هم باشد که حرکات چشم را به خوبی با دست دیگر اجرا کند، با این شیوه عروسک‌ها بهتر ارتباط برقرار می‌کنیم. مثل تفاوت نسل ما و نسل جدید است. نسل جدید با انیمیشن سه بعدی ارتباط می‌گیرد و ما با انیمیشن‌های دو بعدی. ما نسل پلنگ صورتی و تام و جری هستیم اما امروزه بچه‌های ما با سیا ساکتی و امثال آن بیشتر ارتباط برقرار می‌کنند. توجه داشته باشید که به همین دلیل ما شاخص نیستیم، سلاقی ما قابل تعمیم نیست و حق نداریم در این حوزه‌ها خیلی اظهار نظر کنیم. چرا که هر اظهار نظری ناخودآگاه در فضای مدیریتی کشور تأثیر می‌گذارد. از حوزه‌ای که به من مربوط نیست مثال می‌زنم: مثل این است که چون من از انیمیشن دو بعدی خوشم می‌آید، شرکت‌های دو بعدی ساز بیشتر دور و بر من بپلکنند. در حالی که ما باید فرزند زمان خویش باشیم، ببینیم که جوان و کودک امروز چه می‌پسندد. یک زمانی انیمیشن فقط برای بچه‌ها بود اما امروزه این طور نیست. کما این که عروسک هم یک دوره‌ای فقط برای بچه‌ها بود اما کار آقای غریب‌پور نشان می‌دهد که این طور نیست.

آیا شما هم معتقد هستید که امروزه بزرگسالان بیشتر به عروسک‌ها علاقه نشان می‌دهند؟

اعتقاد دارم کودک درون ما بیشتر از فرزند ما نیاز دارد که با این جان دادن رشد پیدا کند. می‌گویند میل خدا شدن در انسان‌ها زیاد است و ما نیز می‌خواهیم خدایی شویم. این میل باعث می‌شود که خیلی تلاش کنیم که به یک شئی بی‌جان حرکت بدهیم. گویی وجود ماست که بیرون تراویده و آینه‌ای از اعمال خود ما شده است. آن‌چه که در درون خودمان احساس می‌کنیم را در آن عروسک می‌بینیم. این نیاز غیر از نیاز ما به تئاتر است. نگاه خاص خودش را دارد. نمایش عروسکی می‌تواند لحظاتی انسان را از حال ماندگارش بیرون بکشد و در جریان جدیدی که خودش، در حوزه خیالش مبتکر آن بوده سیلان بدهد. انرژی او را به فضای مفهومی پرتاب می‌کند که می‌تواند در آن پرواز کند. این فضا خیلی شیرین است.

در آستانه برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی چه هدیه‌ای برای جامعه تئاتر عروسکی کشور دارید؟

آن‌چه درباره تأکید بر اجرای عمومی آثار در طول سال و بعد حضور در جشنواره‌ها گفته شد مسلماً کار اندکی نیست. پرهزینه است! دوستان می‌دانند که سعی می‌کنم حرف کارشناسی نشده زنم. بگذارید این سؤال شما را در صحبت‌های خودم روز اختتامیه پاسخ بدهم.

این رسم همه جشنواره‌های نمایشی است که همیشه عده‌ای در اضطراب معرفی آثار برگزیده در مرحله بازخوانی و سپس بازبینی نمایش‌ها قرار دهد. این اضطراب برای عده‌ای به‌خصوص آنان که متون و نمایششان پذیرفته می‌شود شیرین و دلچسب ولی برای عده‌ای غم‌انگیز است.

در این بین بازخوانان متون با تلاش شبانه‌روزی خود سعی در انتخاب شایسته‌ترین آثار دارند که با معیارها و محوریت جشنواره مطابق باشد.

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های عروسکی نیز خالی از این تلاش‌ها نبوده و بازخوانان این دوره متشکل از هما جدیکار، حسن دادشکر، یوسف صدیق، داود کیانیان و هنگامه مفید با تلاش‌های بی‌وقفه خود متون ارزنده‌ای را راهی مرحله بازبینی کردند و نظرات متفاوتی را هم در مورد نمایشنامه‌های این دوره ارائه دادند.

حسن دادشکر معتقد است که متون بازخوانی شده، در برخی زمینه‌ها پیشرفت داشته اما در بعضی موارد دچار زیاده‌روی شده است. او که در عین حال نمایش «بهار اومد» را نیز در این جشنواره روی صحنه می‌برد می‌گوید: «بطور کلی آثاری که مورد بازخوانی قرار گرفته آثار خوبی بود چرا که با توجه به تأکید این جشنواره روی موضوعات مربوط به ادبیات کهن، آثار فانتزی مناسبی ارائه شده بود و به‌رغم کلاسیک بودن موضوع، متون به شکل مدرن خلق شده بود. البته او اعتقاد دارد کیفیت آثار در قسمت‌هایی که سنت و مدرنیسم با هم تلفیق شده، بهتر از کیفیت آثاری است که کاملاً سنتی یا کاملاً مدرن ارائه شده بود زیرا در این‌گونه موارد کمی افراطی عمل شده بود.

او یاد آور می‌شود: «تئاتر عروسکی باید دارای متن پرداخت شده مناسب و جاذبه‌های عروسکی باشد تا بتوان در اجرای آن از ترفندهای نمایش‌های عروسکی به‌طور منطقی بهره برد و نباید فقط و فقط منطبق بر دیالوگ باشد. این در حالی است که از بین تمامی آثار بازخوانی شده تنها ۱۰ یا ۱۵ اثر این معیارها را در خود جای داده بودند.»

دادشکر در پایان صحبت‌هایش پیشنهاد داد: «باید فراخوان این‌گونه جشنواره‌ها زودتر منتشر شود تا متقاضیان فرصت بیشتری برای پرداختن به

و نگاه اسطوره و ایرانی به قصه‌ها بود». او ادامه می‌دهد: «به نظر من متنی خوب محسوب می‌شود که ساختارهای نمایشی در آن رعایت شده باشد چرا که بیشتر آثار رسیده از عدم آموزش مناسب و عدم آشنایی با روش‌های اقتباس رنج می‌برد و این نقطه ضعف بسیاری از نمایشنامه‌ها بود.» جدیکار این نقطه ضعف را نوعی ساده انگاشتن تلقی می‌کند و می‌گوید: «نمایشنامه‌نویسان نمایش‌های عروسکی باید باور کنند که در نمایشنامه‌نویسی ضعیف هستند و باید در دوره‌های روش‌های اقتباس که دفتر تولیدات عروسکی و... برگزار می‌کنند شرکت کنند تا ضمن آشنایی با روش‌های جدید نمایشنامه‌نویسی، پایه آکادمیک خود را بالا ببرند.»

هنگامه مفید یکی دیگر از بازخوانان این دوره از جشنواره نمایش‌های عروسکی است. او متون ارائه شده را مناسب ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «با این‌که متون ارائه شده بیشتر تکراری و فاقد نوآوری بود اما هیأت بازخوان با دقت و سخت‌گیری خاص خود سعی در انتخاب متون بسیار مناسب و ناب داشت که البته کاملاً موضوع ادبیات کهن و عروسکی بودن در آن لحاظ شده باشد.» داود کیانیان هم که در کنار دیگر هنرمندان، بازخوانی متون را عهده دار بود به علت سپری شدن زمان نسبتاً زیادی از بازخوانی متون از ارائه نظرات خود در خصوص متون این دوره از جشنواره نمایش‌های عروسکی اجتناب کرد.

نظرات **یوسف صدیق** نیز در بخش بازبینان بخش صحنه‌ای بیان شد زیرا او علاوه به بازخوانی متون بازبینی آثار را نیز برعهده داشته است.

متون خود داشته باشند، همچنین باید مسئولان حمایت از گروه‌های شهرستانی را به‌عنوان یک نکته اساسی در دستور کار خود قرار دهند چرا که توجه به تئاتر عروسکی در شهرستان‌ها به‌رغم ضعف‌هایشان، باعث شکوفایی این نوع از تئاتر می‌شود. البته نباید فراموش کرد که بودجه کم تئاتر عروسکی با توجه به وضعیت گرانی مواد ساخت عروسک‌ها از دیگر مشکلات بر سر راه خانواده تئاتر عروسکی است.»

هما جدیکار دیگر بازخوان این دوره از

جشنواره نمایش‌های عروسکی می‌گوید: «به‌رغم این‌که همه‌فکری کردند محوریت و موضوع این جشنواره باعث ضعف آثار رسیده می‌شود اما متون بسیار متنوع و خوبی ارائه شده بود که ویژگی اغلب آن‌ها استفاده از جادوی افسانه‌ها

تنوع آثار رسیده جذاب بود



دوستی و ارتباط کاسپرل آلمانی با مبارک خیمه شب بازی ایرانی

آقای مارکوس دورنر که از هنرمندان برجسته و فعال تئاتر آلمان است و اکنون مدیریت موزه عروسک‌های نمایشی شهر باد کروزناخ را به عهده دارد، عروسک کاسپرل را به جشنواره سیزدهم هدیه کرده است و در عوض ستاد جشنواره نیز برای معرفی هر چه بیشتر خیمه شب بازی ایرانی و نمایش عروسکی کشور که در سالیان اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته شش عروسک نمایشی را به این موزه جهت نصب اهدا خواهد نمود. امید است با راه‌اندازی هر چه سریع‌تر موزه عروسکی ایرانی در تهران زمینه حضور هر چه بیشتر عروسک‌های جهان فراهم آید و از بین رفتن عروسک‌های خوبی که همه ساله توسط هنرمندان این رشته ساخته می‌شود جلوگیری به عمل آید. جمع‌آوری و به نمایش گذاشتن عروسک‌ها در اشکال مختلف و راه‌اندازی موزه عروسکی ایرانی محملی برای رشد و اعتلای هر چه بیشتر این هنر ارزشمند است.

به روش تصویری و یا صوتی صدای اجراها و یا نحوه بازی دهندگان آن‌ها را می‌توانیم به‌طور ملموس مشاهده کنیم.

تنوع رنگ و ساخت و طراحی عروسک‌ها تفاوت سلیق و کیفیت ساخت آن‌ها را به‌خوبی از هم متمایز می‌کند و به راحتی هر بازدیدکننده‌ای مسحور ارتباط ساده و خموشانه این عروسک‌های نمایشی می‌گردد.

در گوشه‌ای دیگر از همین ساختمان در سالن کوچکی تمامی مراحل فنی و ساخت و ساز یک اجرای نمایش عروسکی برای آموزش و آشنایی هر چه بیشتر تماشگران و خصوصاً کودکان تدارک دیده شده که آنان عملاً و با حضور خود می‌توانند به راحتی با نمایش عروسکی آشنا شوند. آرشپو این موزه فرهنگی سرشار از عروسک‌هایی است که به شکل طبقه‌بندی شده تنظیم شده و هر دوره‌ای به تناسب موضوعی عروسک‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند.

اکثریت بازدیدکنندگان این موزه را دانش‌آموزان و کودکان مدارس تشکیل می‌دهند که ساعت‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم و زنده با عروسک‌های آشنا و دوست داشتنی‌شان ارتباط نزدیک و صمیمی داشته باشند.

جای مبارک و عروسک‌های خیمه شب بازی ایرانی در این موزه جهانی به شدت خالی بود تا آن‌که این ارتباط و مفاهیم با حضور و همراهی دکتر اردشیر صالح پور دبیر جشنواره در بازدیدی که از این موزه داشت فراهم آمد و پیوندهای فرهنگی با حضور و مبادله دو عروسک سنتی کاسپرل و مبارک آغاز شد.

دنیای عروسکی دنیای جالب توجه‌ی است، عروسک‌ها نیز مانند کودکان بی هیچ انگیزه و بهانه‌ای با هم دوست می‌شوند و مهربانانه در صمیمیت دنیای خویش همدیگر را سهیم می‌سازند. جشنواره علاوه بر آشنایی و برقراری دوستی با گروه‌های نمایشی زمینه ارتباط فرهنگی هر چه بیشتر عروسک‌ها را نیز فراهم می‌آورد.

موزه عروسکی فرهنگی «باد کروزناخ» یکی از موزه‌های قابل توجه تئاتر عروسکی آلمان است که شماری از زیباترین عروسک‌های نمایشی جهان را در خود جای داده است. این موزه در محلی زیبا و مناسب در یکی از قصرهای قدیمی قرون وسطایی که در باغی با صفا قرار دارد همه روزه پذیرای علاقه‌مندان و بازدید کنندگان بسیاری است. انواع و گونه‌های مختلف عروسکی جهان با سبک و شیوه‌های مختلف در این موزه جلوه خاصی به این مکان فرهنگی داده‌اند. در هر بخش از این ساختمان بزرگ، ما با نمونه‌های بسیار جالبی از عروسک‌ها، شخصیت‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و تیپ‌های مختلف اجتماعی مواجه هستیم که توجه هر بازدید کننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

عروسک‌های دستکشی، میله‌ای، نخ‌سی، بن راکو، باتومی و سایه‌ای هر کدام موضوع و داستانی را به ما گوشزد می‌کنند. در کنار برخی از این عروسک‌ها



دیبری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسیکی تهران- مبارک به دکتر اردشیر صالح‌پور واکذار شد تا این بار یکی از فعالان و قدیمی‌های این عرصه، سکان هدایت جشنواره را به دست گرفته باشد.

او با تألیف‌ها و پژوهش‌های متعدد در این عرصه همواره حضور پررنگ داشته و علاوه بر تمام این‌ها او در ادوار گذشته این جشنواره هم به شیوه‌های گوناگون در برگزاری جشنواره حضور مستمر داشته است.

جشنواره سیزدهم تئاتر عروسیکی با نخستین تجربه دیبری صالح‌پور از راه رسیده و پرسش‌هایی در زمینه تغییر رویکردهای جشنواره در اذهان باقی مانده است. بر همین مبنا این پرسش‌ها را با صالح‌پور در میان گذاشتیم و نتیجه پاسخ‌هایی است که در زیر می‌خوانید.

سال‌های زیادی است که شما در عرصه تئاتر عروسیکی حضوری فعال دارید و امسال هم

تبعیض و تمایزی ضروری است. اصل را بر هم‌دلی و صمیمیت گذاشتیم و دست همکاری به سوی همه اقشار دراز کردیم و با صداقت پیش رفتیم. حقیقتاً همه آن‌ها دست یاری دادند و برگزاری جشنواره مدیون همین لطف، صمیمیت و همیاری تک‌تک اعضای خانواده تئاتر عروسیکی ایران است.

جشنواره امسال رویکردهای متفاوتی را در فراخوان جشنواره پدید آورده است. این رویکردهای جدید بر چه اساس و معیاری شکل گرفته است؟

اگر چه ما در بسیاری از موارد تنها نشست‌های نمایشی داشته‌ایم ولی خیمه‌شب‌بازی به استناد اشارات ادبی شاعرانی هم چون اسدی طوسی، خیام، نظامی و حافظ نوعی نمایش عروسیکی و یا لعبتک‌بازی بوده که وجود داشته و شواهد و قرائن حاکی از آن است که این امر سابقه‌اش به قدیم می‌رسد. متأسفانه به رغم این پیشینه در این خصوص هم به دلایل عدیده بسیار آثار مکتوب چندانی باقی نمانده و شاید قدیمی‌ترین

چیز که به گونه‌ای بتواند تئاتر ملی را تحقق بخشد در دستور کار است، این دستور هرگز یک دستور سیاسی و یا فرمایشی نیست، یک ضرورت تاریخی و کارآمد است که می‌تواند ما را در رسیدن به هویت خویش و کشف یافته‌های نو بر دستاوردهای کهن یاری رساند. آیا می‌توان بر حکمت قدیم منظری نو ساخت؟ آیا تداوم سنت‌ها در فرآیند نیازهای امروزی می‌تواند رهگشا باشد؟ آیا آثار ادبی و قصه‌ها و روایات و احادیث و افسانه‌ها و متل‌ها و داستان‌های اقوام ایرانی می‌تواند ما را در معرفت‌شناسی هر چه بیشتر با هویت خودی و اصیل رهنمون شود؟ یا آن‌که ما باید به تنها نسخه‌های رایج و موجود که عمدتاً از دیباچه‌های دیگری صادر می‌شود اکتفا کنیم؟ این‌ها همه و همه پرسش‌هایی بود که در بررسی وضعیت موجود و جایگاه و منزلت تئاتر عروسیکی بدان رسیدیم و مورد نظر قرار دادیم. استراتژی و چشم‌انداز تئاتر عروسیکی ما به کجا قد خواهد داد، ما به کدام سمت و سو میل می‌کنیم و کدام منظر و افق را پیش رو می‌گشاییم.

گفت‌وگو با دکتر اردشیر صالح‌پور، دبیر سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسیکی تهران- مبارک با شناسنامه ایرانی

به‌عنوان دبیر جشنواره انتخاب شدید. درباره شروع به کار در جشنواره عروسیکی توضیح دهید.

برای من که از اوان شکل‌گیری جشنواره عروسیکی در فعالیت‌های اجرایی حضور داشته و سالیان زیادی به‌عنوان دبیر اجرایی مستقیماً با مسائل جشنواره‌ای ارتباط مستقیم و تنگاتنگ داشته‌ام، آغاز فعالیت چندان دشوار نبود چرا که به طور پیوسته و ضمنی هم به لحاظ آکادمیک و هم به لحاظ اداری و اجرایی موضوع تئاتر عروسیکی را دنبال می‌کردم. توفیقی به دست آمد تا در فرآیند مستقیم‌تری این روند را پیگیری و به انجام برسانم و قطعاً در این راه نه تنها من بلکه حضور خانواده عروسیکی لازم بود.

جامعه عروسیکی ایران در سالیان اخیر پس از رشد و گسترده‌گی به تقسیم‌بندی‌های تازه‌ای رسیده بود و نشعاب تازه‌ای به خود گرفته بود که به‌رغم پراکندگی و دسته‌بندی به‌نوعی تنوع و تفاوت هم رسیده بود که این‌ها به خودی خود جالب توجه است و این تکثر به عبارتی به مثابه رشد و توسعه است که از سلیقه‌های واحد و یکنواخت پرهیز می‌کند. جهان جهان تکثر و تفاوت‌هاست. به هر روی در آغاز کار نخستین سنگ بنا را بر آن نهادم که مشارکت این جریان‌های بی‌هیچ

نمونه‌های آن که به دوره قاجار می‌رسد همان متن لوطی شکر است که به اهتمام رمان ولگائف یا ژوکوفسکی پژوهشگران روس برای مآبث و ضبط شده است و یا دو نمونه تکراری فرخ خان و عروسی پسر سلیم خان و در نوع دیگر پهلوان کچل...

البته این‌ها نمونه‌های سنتی است و مصادیق دیگری هم چون تکم گردانی، چولی قوزک و بوکه بارانسه و بازیازک و آهو و بره و... نیز در اقصی نقاط این کشور پنهان وجود داشته که هرگز از مرحله سنت و آئین پا به ورطه نمایش و تئاتر نگذاشته‌اند اما وجود همه این‌ها شواهدی بر وجود این هنر است که خوشبختانه سالیان اخیر تاحدی رشد چشمگیری داشته و برگستره آن افزوده شده است.

دقیقاً رویکرد جشنواره از همین آبخشور نصیب گرفته است که ما با وجود چنین سابقه‌ای هنوز گاهی فراتر نهاده‌ایم و در تداوم سنت‌های گذشته و فرهنگ خودی تلاش سیستماتیک‌تری را بطور جدی دنبال نکرده‌ایم البته فعالیت‌هایی اندک طی سالیان به طور گه‌گاهی در این راستا صورت گرفته که جای تقدیر دارد. اما این امر یک ضرورت جدی و اساسی است. تئاتر ایرانی، نمایش عروسیکی ایرانی و هر آن

جایگاه مخاطب کجاست. نسبت عروسیک و فرهنگ ایرانی و کاربری‌های نوین آن به کجا خواهد انجامید. دانشکده‌های تئاتر و تأسیس رشته فوق لیسانس عروسیکی چه آتیه‌ای را برای نمایش عروسیکی ایرانی تضمین خواهد کرد؟! کمیت یا کیفیت؟!

مخاطب، یکی از اصلی‌ترین مباحث مدنظر دبیرخانه جشنواره امسال است. چرا رویکرد مخاطب‌گرایانه را امسال از ملاک‌های اصلی جشنواره قرار داده‌اید؟

تئاتر بدون مخاطب ره به جایی نمی‌برد. این البته به منزله عدول از ارزش‌ها و پایین آوردن سطح تئاتر در جهت تأمین ذائقه عوام نیست. تئاتر در هر حال امری روشنفکری و است. اما راه‌های ارتباطی آن در جهت تعالی تماشاگران بسیار است. گونه‌های مختلف روش‌های زیادی را تجربه کرده‌اند. برخی از کارگردانان و نظریه پردازان عوامل زیادی را از تئاتر حذف کرده‌اند اما تماشاگر و مخاطب از ارکان اصلی و انکار ناپذیر است. این به این معنی نیست که به ورطه سقوط بی‌یافتیم بلکه باید تماشاگر و مخاطب را در سطح خود بالا بکشیم. تماشاگر ایرانی نباید نادیده انگاشته شود. البته

به سالیق آنان نیز گردن نهمیم و مطیع تحمیلات و خوشایندهای آن ها هم نباشیم اما از آنان فاصله و آنان را نادیده نگیریم.

متأسفانه بسیاری از تولیدات نمایش عروسکی زغم زحمات و ابتکارات بسیار موهبت مخاطب را از دست می دهند و نمی توانند با تماشاگران به ارتباط بنشینند و مخاطب ندارند، تنها آثار معدودی مخاطب را در طرح و تولید خود مورد نظر دارند. برخی دیگر به یک یاد و اجرادر جشنواره اکتفا می کنند و به اجرای عمومی نمی رسند.

شما یکی از چهره های دانشگاهی و آکادمیک حوزه تئاتر محسوب می شوید. تعریف شما، به عنوان یک چهره آکادمیک و نه دبیر جشنواره، از مخاطب چیست؟

تا حدودی تعاریف و جایگاه مخاطب را در تئاتر در سؤال قبل توضیح دادم. جوشش های درونی و کوشش های پیرامونی چنانچه بر اصالت مبتنی باشند ره به مخاطب می جویند. از همان ابتدا مخاطب اصل

— نمی دانم، هنوز به دستم نرسیده...

همچنین در فراخوان جشنواره امسال بر ایرانی بودن آثار و سنت ها تأکید ویژه ای شده است. چرا این اتفاق رخ داده؟

فقط تأکید بر سنت ها نیست. جهان ایرانی خودش وسیع الطیف است. در فراخوان نیز عناوین زیادی طرح و پیشنهاد شده، منعی بر اجراهای مدرن نیز در کار نبوده است. اتفاقاً بسیاری از نمایش ها در شکل و شمایلی مدرن و قالب هایی نو مضامین کهن را مورد بررسی قرار داده اند و به آنان حیاتی نوین بخشیده اند. به نظر می آید آثار کهن نیز همپا با ما رشد می کنند و قرائت های نوین می یابند. چگونه است که ما این همه اجراهای متعدد و متفاوت از شکسپیر و بزرگان دیگر داریم. تئاتر امروزه بیشتر میل به نگاه، اجرا و انگاره های تازه دارد. تجارب این جشنواره نیز قابل ملاحظه اند. دست کم آن که ما را بار دیگر به صرافت بخشی از موراثت و تجارب نیاکان و آثار فرهنگی و تاریخی انداخته است. نو بودن تنها در شکل نیست، کشف

تا آثار مکتوب اعم از منظوم و منثور و حتی ادبیات معاصر الهام گرفته اند و انواع شیوه های عروسکی اعم از نخی، میله ای، سایه و غیره در جشنواره دیره می شود. نمایش های میدانی نیز حال و هوای خود را دارند. تجارب دانشگاهی که محصول تازه ترین پایان نامه های دانشجویی است نیز در جشنواره موجود است و در کنار آن نمونه های سنتی از آخرین بازماندگان نسل قدیم عروسکی ایرانی. به هر حال جشنواره محمل و فضایی برای ارائه آثار مختلف و سلیقه های گوناگون است و جشنواره سیزدهم با



رد فرهنگ جهانی شدیم

می شود بدین طریق که ما خودآگاه یا ناخودآگاه در خلق و تولید اثر می پرسیم برای چه کسانی؟ مخاطب کجاست؟ تا حدودی در تئاتر عروسکی مخاطب ابتدا در حوزه کودکان و نوجوانان تعریف می شد اما حالا تنها به دنیای کودکان منحصر نمی شود ضمن آن که او را هم شامل می شود اما نمایش عروسکی در اولین گام باید سودای مخاطب را داشته باشد. کودکان یا غیره هر کدام زبان خاص خود را می طلبد. تأثیر مخاطب بر تئاتر مستلزم شناخت مخاطب از ابعاد گوناگون است. شناخت مخاطب خود پایه درک علت انتخاب نمایش توسط گروه است.

باید بدانیم برای چه کسانی و چرا تئاتر کاز می کنیم و چگونه می توانیم بر مخاطبان خود بیافزاییم نه آن که آنان را کاهش دهیم. اویرانسوف استاد بزرگ تئاتر عروسکی روس نقل قولی دارد که خالی از لطف نیست.

روزی روانکاوای از بیمار پرسید:

چکار داری می کنی؟

— نامه می نویسم

— به کی؟

— به خودم

— چه می نویسی؟

بسیاری از ارزش های کهن و نهفته و نگفته نیز دلیلی بر نو بودن است. ضمن آن که ما قرائت امروزمان را از آثار کهن ابراز می کنیم. این امر به مفهوم واپسگرایی و ارتجاع نیست. نگاهی به گذشته برای ترسیم چشم اندازهای آینده است.

با وجود این نوع سیاست گذاری ها، در جشنواره امسال شاهد تنوع و گونه های مختلف نمایش های ایرانی خواهیم بود؟ چه راهکارهایی برای ایجاد تنوع میان آثار نهایی انتخاب شده برای حضور در جشنواره در نظر گرفته بودید؟

غناى فرهنگ ایرانی - اسلامی زمینه های بسیار خوبی را برای بهره گیری و اقتباس و برداشت های مستقیم و غیر مستقیم به منظور تولید آثار نمایش عروسکی فراهم ساخته. خصوصاً آن که یکی از ویژگی های هنر نمایش عروسکی تخیل و فانتزی و آزادی عمل است و فرهنگ و فلسفه ما این ویژگی را به لحاظ جوهری در ذات خود دارد و بسیاری از وقایع و حقایق در جهان غیر مادی رقم می خورد و به نظر می آید نمایش عروسکی سازگاری بهتری جهت خلق و تولید می تواند در بر داشته باشد.

تنوع و گوناگونی آثار تا حدودی رعایت شده. نمایش ها عمدتاً از آداب، آئین سنت، مراسم، مناسک

رویکردی ایرانی کوشش های ذوقی و خلاقیت های جامعه تئاتر عروسکی را در فرآیندی با شکوه به ضیافت نشسته است. ضمن آن که توفیق آن را داریم از تجارب هنرمندان خارجی که شمارشان به ۱۲ گروه نمایشی می رسد و تازه ترین دستاوردهای خود را در این رشته به ارمان آورده اند استفاده کنیم.

در پایان اجازه می خواهم از دو فرصت مغتنم دیگر نیز که جزو برنامه های جشنواره است یاد کنم. نخست کارگاه های آموزشی با حضور سه استاد برجسته از کشورهای فرانسه و ایتالیا و سمینار تخصصی بین المللی با حضور استادان و پژوهشگران ایرانی و خارجی که امیدواریم جامعه تئاتر عروسکی و علاقه مندان و دانشجویان استفاده شایان توجهی از این برنامه ها داشته باشند.

روحیه ایرانی و مبارک

هستند

چرا تمامی کارگاه‌های جشنواره در فرهنگسرای بهمن برگزار می‌شود؟
می‌خواستیم کارگاه‌ها به صورت مجموعه‌ای در کنار هم باشد که اگر افرادی مایل باشند از فعالیت دیگر گروه‌ها هم بهره ببرند بتوانند. از این گذشته این فرهنگسرا سالن‌های خوبی برای برپایی کارگاه‌های عروسک‌سازی دارد. به لحاظ پشتیبانی نیز وقتی کارگاه‌ها در نزدیکی هم باشند، متریال و ابزار بهتر در دسترس شان قرار می‌گیرد.

در بین هنرمندان حاضر در هر کارگاه تعدادی از هنرمندان شهرستانی نیز دیده می‌شوند، روند حضور این دوستان به چه ترتیبی بوده است؟
علاوه بر بچه‌های تهران که فارغ‌التحصیل هستند از بچه‌های شهرستان که دانش آموخته این هنر هستند و یا جزو مسئولان هنرهای نمایشی یا دست‌اندرکاران تئاتر عروسکی شهرستان‌ها قرار دارند دعوت شده که در این کارگاه‌ها شرکت کنند. معمولاً در هر کلاس ۵ یا ۶ نفر از هنرمندان شهرستان‌ها نیز حضور دارند. کلاس بین ۱۰ تا ۱۵ نفر شرکت کننده دارد.

چه ویژگی‌هایی برای انتخاب کارگاه‌های ایرانی مدنظر تان بود؟

این که تنوع خاصی وجود داشته باشد و کارگاه‌های یکسان نداشته باشیم. یکی از کارگاه‌های ایرانی توسط خانمی برگزار می‌شود که تخصص‌اش ساخت عروسک‌های اساطیری است. مانند شخصیت‌های شاهنامه. موادی هم که استفاده می‌کنند خاص خودشان است. کارگاه دیگر آموزش اوریگامی است که ماسک را با مواد جدید و قدیم و به خصوص کاغذ کار می‌کنند. ایشان قرار است نتیجه کارشان را هم به صورت نمایش به اجرا بگذارند. وقتی در بازبینی‌ها کارهای شهرستانی‌ها را می‌دیدیم متوجه شدیم که در ساخت عروسک ضعف‌هایی دارند. ذوق این کار را دارند و این توانایی و قابلیت در آن‌ها هست که بهتر شوند.

به عنوان یک استاد تئاتر عروسکی وضعیت این رشته را چه‌طور ارزیابی می‌کنید؟

چون خودم از ابتدا و از شروع رشته عروسکی در ایران، از زمانی که تنها عروسک خیمه‌شب‌بازی به عنوان عروسک سنتی ایرانی شناخته شده بود بودم، پیشرفت‌ها را می‌بینم و آن را رو به جلو ارزیابی می‌کنم. ترس‌ها ریخته شده و جسارت‌ها در کار دیده می‌شود. روی مردم تأثیر می‌گذارد. عامه مردم به دیدن اجراها علاقه‌مندند و برایشان جالب است و این به سن و سال هم ربط ندارد. تمام موضوعات روز در این گونه نمایشی عنوان می‌شود. معتقدم هر سال بهتر از سال پیش بوده و این امیدواری خوبی است که بیراهه نرفته‌ایم و ثمره آن خوب بوده.

ایرج محمدی، مدرس رشته عروسکی دانشکده سینما تئاتر و از جمله هنرمندان پرسابقه این رشته است که در جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران-مبارک مسئولیت برپایی کارگاه‌های آموزشی را بر عهده گرفته، که از ۱۰ روز قبل از شروع جشنواره شروع شده‌اند. محمدی از سال ۵۰ تئاتر عروسکی را به عنوان شاخه اصلی فعالیت خود انتخاب کرده و از آن زمان به بعد تعلیم بسیاری از دانشجویان را در این دانشکده بر عهده داشته است. آن‌چه در زیر آمده گفت‌وگویی کوتاه است که با این هنرمند در فاصله کوتاه فراغتش داشتیم.

کارگاه‌های آموزشی جشنواره سیزدهم چطور برنامه‌ریزی شده‌اند؟

امسال ۶ کارگاه برای جشنواره تهران-مبارک انتخاب شده که ۳ کارگاه خارجی و ۳ تایی دیگر ایرانی است. اولین کارگاه توسط خانم فلور ماری فونتنس از فرانسه است. مبارک یونیمای خودمان تحقیق کرد و تشخیص داد که از ایشان دعوت کند تا به ایران بیایند ولی چون زمان بیشتری لازم بود که عروسک ساخته شود و چون باید این عروسک‌ها در اجرا شرکت کنند، لازم بود که از ۱۰ روز زودتر کار شروع شود.

در همین کارگاه عروسک مبارک ساخته می‌شود؟

بله، گفتیم حالا که قرار است عروسکی ساخته شود، چه بهتر که مبارک باشد. مبارک نماد جشنواره خودمان نیز هست. هرکشوری یک عروسک محوری برای خودش دارد. هدف، این است که مبارک همان‌طور که از توده مردم برخاسته، بیاید و بگوید که من هستم، با شما هستم و هنوز هر ایرانی یک مبارک کوچک در درونش دارد. مبارک همان کودک درون اوست که باعث می‌شود هر چه در دلش است را به طنز و شوخی بیان می‌کند. هر طرح توسط حاضران به صورت مجسمه‌های کوچک اجرا شد تا یاد بگیرند که برای هر کاری اول طراحی و بعد ماکت‌سازی کنند.

در بقیه کارگاه‌ها هم مبارک موضوع ساخت عروسک خواهد بود؟

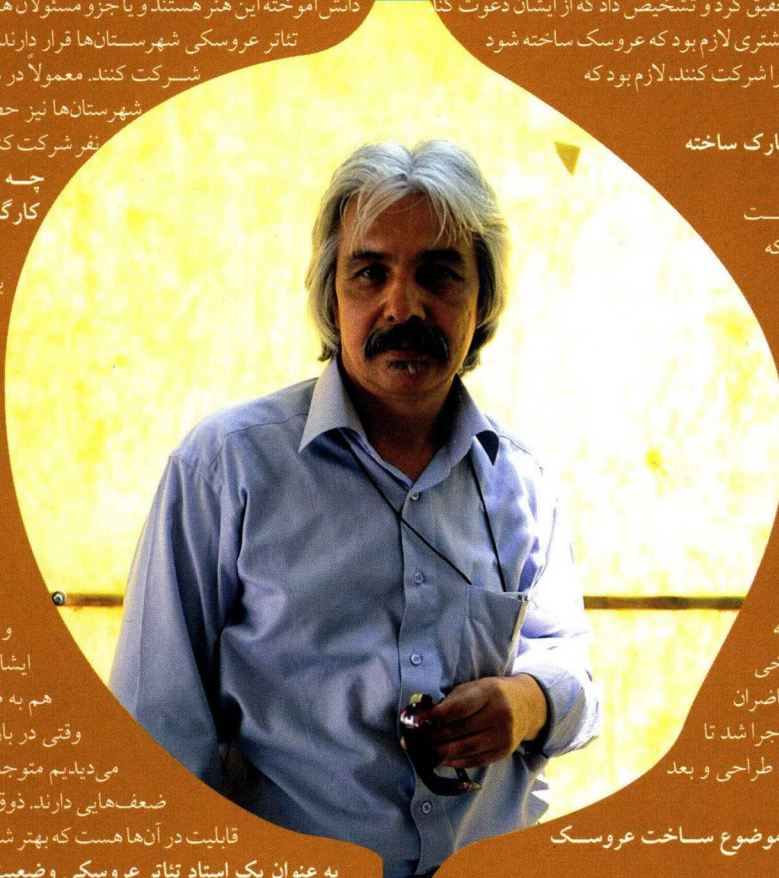
نه، برنامه دیگر کارگاه‌ها فرق می‌کند. یک کارگاه دیگر داریم مربوط به عروسک‌ها و ماسک‌های بزرگ‌تر از معمول که خانم ماریلا کربونه برگزار می‌کند. اگر فرصت شود می‌خواهند نمایشنامه‌ای را هم به صورت خیابانی اجرا کنند.

در کارگاه سوم هم ساخت شیوه‌ای از عروسک‌ها آموزش داده می‌شود؟

سومین کارگاه آموزشی تئاتر عروسک‌های کاغذی است که آقای آلن لوکوک اهل فرانسه برگزار می‌کند.

از این کارگاه هم کار عملی خاصی مشاهده خواهد شد؟

ایشان سفارش کرده‌اند که دو نمایشنامه «پلی از جنس شیشه» نوشته نگار نادری و «بیژن و منبزه» کار دکتر محمود عزیزی که متن برگزیده فجر است کار شود. افرادی که در این نمایش حضور خواهند داشت همگی از بچه‌های عروسکی



عروسک‌های غول‌پیکر دو ست‌داشته‌نی

زهرا شایان فر



فرهنگسرای بهمین، در جنوب تهران میزبان بخش کارگاه‌های آموزشی سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی است و با در اختیار گذاشتن بخشی از سالن نمایشگاهی خود فضایی وسیع را به هنرمندان تئاتر عروسکی اختصاص داده است.

کارگاه آموزشی ساخت عروسک‌های غول‌پیکر اولین کارگاهی است که در این فرهنگسرا و ۱۰ روز پیش از برگزاری جشنواره تشکیل شده و در آن جمعی از دانشجویان و هنرمندان با تجربه تئاتر عروسکی از شهرهای مختلف کشور گرد هم آمده‌اند تا مبارکی به ارتفاع ۴ متر را به جشنواره تئاتر عروسکی تهران - مبارک بیاورند.

فلور ماری فونتنس، هنرمند مجسمه‌ساز، نقاش، عروسک‌ساز و طراح شیلیایی - فرانسوی از ۲۰ تیر با همراهی دو تن از استادان عروسک‌سازی و کارگردانی تئاتر عروسکی ایران به نام‌های فرناز بهزادی و ایرج محمدی این کارگاه تماماً عملی را شروع کرد. تسلط فرناز بهزادی به زبان فرانسه، مسیری آسان برای ارتباط این مدرس و شرکت‌کنندگان در کارگاه آموزشی برقرار کرده است.

درومین روز برپایی این کارگاه که اتفاقاً با سالگرد تولد بهزادی مقارن شده است، مهمان کارگاه شدیم تا از آن چه در آن می‌گذرد، گذشته است و خواهد گذشت جو بیاشویم. سالن وسیعی که جمع افراد و وسایل و ابزار در کنجی از آن قرار گرفته‌اند با چند پنکه سقفی تهویه می‌شود و گرچه درهای سالن در دو سو باز گذاشته شده، هوای گرم آن در آغاز هر تازه‌واردی را می‌آزارد اما بر خورد گرم و صمیمی گروه و پذیرایی بی‌پیرایه گروه با شربت و کیک تولد، غبار داغ تابستان را به طراوت و تازگی نشاط دانش و توانایی‌شان بدل می‌کند.

سر غول‌پیکر مردی که می‌گویند مبارک خود ماست بر پایه‌ای چهار پر قرار دارد و چهار تن از جوانان تئاتر عروسکی با سر انگشتان مرطوب به چسب چوب رقیق شده آن را پایه ماشه می‌کنند. چند قدم آن طرف‌تر حجم نیم‌ساز تنه مبارک قرار دارد که گروهی دیگر با لوله‌های باریک پلاستیکی و سیم و دریل در حال تکمیل آن هستند و روی میز آل ماندنی که در انتها قرار دارد حجم‌های نامشخص سفید رنگی قرار گرفته که پس از تأکید بهزادی و تماشای دقیق آن، دست‌های این مبارک عظیم‌الجثه را نشان می‌دهند. یکی از شرکت‌کنندگان در کارگاه بدنه اولیه دست‌ها را به هم وصل می‌کند تا تصویری از آن چه در پایان خواهیم دید داشته باشیم و فرناز بهزادی بر ایمان توضیح می‌دهد: «تمامی این عروسک غول‌پیکر با استفاده از ساده‌ترین وسائلی که در اطرافمان وجود دارد ساخته شده

است. ظرف‌های یکبار مصرف آب، شمای حبایدار، لوله پلیکا و پیچ و مهره‌ها وسائلی عادی هستند که به سادگی در دسترس همه قرار دارند اما مهمترین مسئله که با آن مواجه شدیم این بود که برای تهیه هر کدام از این‌ها باید به نقطه متفاوتی برویم.»

او ادامه داد: «در تمام کشورهای خارجی فروشگاه‌های بزرگ و چند طبقه‌ای برای تهیه وسایل فنی وجود دارد که مانند سوپر مارکت‌ها تمامی نیازهای فنی را می‌توان از آن تهیه کرد. در حالی که در ایران هیچ بازار متمرکزی برای تهیه این وسایل وجود ندارد و باید مسیرهای متفاوت و مغازه‌های متعدد را زیر پا گذاشت.»

فرایند خشک شدن لایه‌های متفاوت پایه ماشه فرستی ایجاد می‌کند تا با فونتنس به صحبت بنشینیم.

می‌گوید: «از سال ۱۹۸۳ کار نمایش انجام می‌دهم. طراحی صحنه، عروسک و غیره. ۱۰ سالی نیز هست که با یک گروه عروسکی کار می‌کنم که عروسک‌های غول‌پیکر می‌سازند و در نمایش‌های خیابانی شرکت می‌کنند. وقتی با این گروه شروع به همکاری کردم یک گروه تازه‌کار به شمار می‌رفت.»

با اشتیاق از تجربه کردن کارهای متفاوت هنری صحبت می‌کند و بهزادی توضیح می‌دهد که فونتنس هم طراح است و هم نقاش و هم سازنده عروسک.

فونتنس درباره عروسک‌ها می‌گوید: «با عروسک و فرمی که با آن در فضا کار می‌شود و تکنیک‌های مختلفی که در این هنر وجود دارد، مصالح مختلفی که در آن می‌توان به‌کار برد احساس نزدیکی می‌کنم. خیلی توهم‌زایی عروسک را دوست دارم. چیزی که در این توهم آفریده می‌شود را دوست دارم. همان چیزی را که باعث احساس حرکت خود عروسک می‌شود و این باور را به‌وجود می‌آورد که شئی زندگی خودش را دارد.»

گروهی که این استاد فرانسوی با آن عروسک‌های بزرگش را به نمایش می‌گذارد به نام «آدم بزرگ‌ها» معروف است و خودش توضیح می‌دهد: «این همان واژه‌ای است که بچه‌ها در باره ما بکار می‌برند. ما نیز در مقابل این عروسک‌ها همچون بچه‌هایی هستیم که در کنار آدم بزرگ‌ها قرار گرفته‌اند.»

در باره گروه «آدم بزرگ‌ها» توضیح می‌دهد: «همه ما در این گروه طراح، نقاش و هنرمند هستیم و بیشتر روی بیس تکنیک عروسکی کار می‌کنیم برای آن‌که نشان دهیم هنرهای تجسمی و هنرهای معاصر می‌توانند در خیابان نمایش داده شوند.»

وقتی از او می‌پرسیم که با این عروسک‌ها به چه کشورهایی سفر کرده‌اید می‌گوید: «او... خیلی زیاد! سال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی، عروسک‌های جام جهانی فوتبال را ساختم و پیش از آن در شیلی، روسیه و فرانسه کارگاه داشته‌ام. در خیلی از کشورها نیز در فستیوال‌های تئاتر اجرا داشته‌ام. ۴ سال قبل نیز با گروه به ایران سفر کردم و در همین جشنواره با نمایش‌های غول‌پیکر اجرا داشتیم.»

فونتنس همان‌طور که حرف می‌زند کار بچه‌ها را زیر نظر دارد و برخی از کارها را اصلاح می‌کند. بهزادی یادآوری می‌کند که فونتنس تأکید دارد که خود بچه‌ها باید تمامی عروسک را بسازند و می‌گوید ما ساخت این عروسک را می‌دانیم، باید خودشان در عمل نکاتی را یاد بگیرند وگرنه این کارگاه برایشان سودی ندارد.

تصمیم گرفته‌اند که استاد فرانسوی به همراه مسئول خرید کارگاه، برای تهیه پارچه عروسک به خرید بروند. بنابراین تأکیدی درباره پیکربندی عروسک به بچه‌ها می‌دهد و در آن میان در پاسخ به سؤال ما از سطح کارگاه و هنرمندانی که در آن شرکت کرده‌اند می‌گوید: «احساس می‌کنم که بچه‌های کارگاه خیلی به عروسک و نمایش عروسکی عشق دارند. احساسم این است که ساخت عروسک یک سنت قدیمی در این‌جاست. عشق دارند که کار جدیدی را تجربه کنند. این کارگاه برایشان راز و رمزی است که هر روز ذره‌ای از آن را پیدا می‌کنند.»

نگاهی به سمینار سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی

برگزاری سمینار بین‌المللی «سنت و عروسک» با حضور پژوهشگران ایرانی و خارجی، در حاشیه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی - مبارک از جمله برنامه‌های جنبی جشنواره است که اتفاقاً با استقبال خوب محققان و پژوهشگران ایرانی و خارجی مواجه شد.

این سمینار که در راستای برگزاری جشنواره تئاتر عروسکی برگزار می‌شود، با رویکرد سنت و عروسک شکل گرفته بود اما مقالاتی هم فراتر از این دو عنوان در سمینار ارائه شده بودند که فرضیات و نظریاتی جدید را رقم زده بود که علاوه بر تازگی، کمتر شاهد حضور چنین دیدگاه‌هایی در عرصه تئاتر عروسکی بوده‌ایم.

دکتر حمیدرضا ارادان محقق و پژوهشگر که سال گذشته دبیری سمینار جشنواره نمایش‌های آئینی - سنتی را عهده‌دار بود امسال هم دبیری سمینار «سنت و عروسک» را بر عهده داشته و مقاله‌ای تحت عنوان «رنگ‌سیاه در عروسک مبارک به مثابه تعیین مستور» را در این سمینار ارائه کرده است.

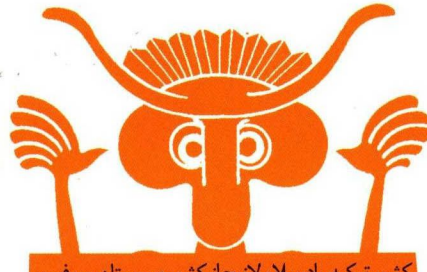
در سمینار «سنت و عروسک» ۱۵ محقق و پژوهشگر برجسته ایرانی و ۸ محقق و پژوهشگر خارجی به ارائه مقاله پرداخته‌اند.

دکتر اردشیر صالح‌پور (دبیر سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک) و بهروز غریب‌پور کارگردان پیشکسوت نمایش عروسکی و خالق ابراهای عروسکی رستم و سهراب، مولوی، عاشورا و مکبث از سرشناس‌ترین هنرمندان حوزه تئاتر عروسکی هستند که مقالاتی را به سمینار ارائه کردند.

همچنین پژوهشگران و محققان برجسته ایرانی همچون پروفسور رقیه بهزادی، دکتر حجت‌اسدیان، دکتر مژگان جهان‌آرام‌محمد رضا اصلانی، مهندس محمد بهشتی، سودابه فضائی، یوسف صدیق، پوپک عظیم‌پور، دکتر حسن شهرستانی، و هما جدیکار با مقاله‌های متفاوتی در این جشنواره حاضر شده‌اند.

ژاک تروود دبیر یونیمای جهانی از کشور کانادا و ددی بودامجی رییس یونیمای هند از سرشناس‌ترین مهمانان خارجی حاضر در سمینار «سنت و عروسک» هستند.

علاوه بر این‌ها دکتر لیا زولا استاد دانشگاه پادوا از کشور ایتالیا، فلورماریا فوئنتس نقاش، مجسمه‌ساز و کارگردان تئاتر از کشور فرانسه، زشیان اوگورولو از



کشور ترکیه، رادوسلاو لازیچ از کشور صربستان، پروفسور دومینیک اسکافیلیو استاد دانشگاه سالرنو از کشور ایتالیا، پروفسور هنریک یور کوفسکی نویسنده کارگردان لهستانی از جمله محققان خارجی هستند که با مقالاتشان در سمینار «سنت و عروسک» حاضر شده‌اند.

سمینار امسال علاوه بر مقالات، میزبان برگزاری یک میزگرد با حضور مهندس محمد بهشتی، محمدرضا اصلانی خواهد بود.

«فضا، سینما و عروسک» عنوان این میزگرد است و قرار است در این سمینار درباره مباحث نظری نوین در ارتباط با حضور عروسک در عالم فیزیک و فضایی که برای او ساخته می‌شود، بحث و تبادل نظر شود.

در میان مقالات حاضر در سمینار عناوین برخی مقالات به لحاظ مضمون و محتوا و برخی دیگر به دلیل ناشناخته بودن و برخی هم به دلیل جسارت و نوآوری محقق در زمینه ارائه نظریه و فرضیه جلب توجهی کند.

مقاله «تندیسک‌های طلسمی و کارکردهای میتولوژیک آن‌ها» اثر پروفسور رقیه بهزادی که به کاربرد عروسک‌ها و جایگاه آن‌ها در طول تاریخ و قابلیت‌های تبدیل و تغییر آشیانه یکدیگر پرداخته و مقاله «پانزده سال پژوهش برای فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی ایران» از پوپک عظیم‌پور از جمله این مقالات است.

همچنین سودابه فضائی با ارائه مقاله «هم‌تات‌پنداری فیروزه مبارک و بررسی نمادها و خاستگاه‌شان» به ارتباط میان دو عروسک اصیل و کهن ایرانی مبارک و فیروزه پرداخته است و قدمت آن‌ها را تا جایی که ممکن بوده مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. او در مقاله‌اش به ارتباط میان این دو و حتی شباهت‌های آن‌ها پرداخته است که این شباهت‌ها



و قدمت‌ها در نوع خود جالب است و در عین حال برای نخستین بار است که مطرح می‌شود.

مقاله «شخصیت‌های ثابت عروسکی در جهان» از فرناز بهزادی هم از دیگر مقالات محققان ایرانی است که به بررسی ارتباط میان عروسک‌های ایران و سایر عروسک‌های جهان پرداخته و نسبت‌ها و روابطی میان آن‌ها را کشف و مطرح کرده است. او در مقاله‌اش صراحتاً از ارتباط خانوادگی شخصیت‌ها گفته و استناداتی از این شباهت‌ها و روابط میان آن‌ها که لیلیس کوچ اقوام کولی از شهری به شهر دیگر بوده است را ارائه کرده است.

در میان مقالات و پژوهش‌های خارجی هم آثار در خور توجهی وجود دارد که می‌تواند برای مخاطبان ایرانی به دلیل ناشناخته بودن برخی موضوعات، عروسک‌ها، آئین‌ها و سنت‌ها و... حائز اهمیت باشد.

در همین راستا پروفسور دومینیک اسکافیلیو از کشور ایتالیا به مقایسه‌ای بین دو شخصیت نمایشی پهلوان کچل و پوچینلا پرداخته و به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو شخصیت پرداخته است و مقایسه‌ای تطبیقی میان دو عروسک ایرانی و ایتالیایی انجام داده است.

دکتر لیا زولا هم از ایتالیا با ارائه مقاله «ماسک خرس در کارناوال‌های زمستانی ایتالیا» به بررسی و آنالیز چندین مجموعه از الگوهای کارناوال‌های سنتی ایتالیایی پرداخته است.

پروفسور رادوسلاو لازیچ با مقاله «تاریخ تئاتر عروسکی در صربستان» به رویکرد تئاتر شناسی از ابتدا تا اوایل قرن بیست و یکم در کلمات و تصاویر پرداخته است.

سمینار بین‌المللی «سنت و عروسک» از ۲۸ تا ۳۱ تیرماه در تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود طی آن هنرمندان، محققان، پژوهشگران و به تبادل اطلاعات و دانسته‌هایشان می‌پردازند که بی‌تردید حاصل این کنفرانس و مقالات نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده و فرجام تئاتر عروسکی ایران خواهد داشت.

سنت و عروسک

نمایش‌ها ایده جذاب زیادی داشتند

نیکو مهدیه

کردند و جزو فعال‌ترین اعضا نیز بودند. آیا اساسنامه یونیمای ایران نسبت به قبل تغییراتی داشته؟

بله، اساسنامه اصلاح شده و قرار است به رأی گیری گذاشته شود. همچنین عضوگیری جدید نیز صورت گرفته و ۱۰۰ عضو جدید وارد یونیمای شده‌اند.

به نظر شما تشکل‌های غیر دولتی تا چه حد به رشد فرهنگ و هنر نمایش کمک می‌کنند؟

در تشکل‌های دولتی محوریت اصلی وظایف آن‌هاست اما در تشکل‌های غیر دولتی علاوه بر وظیفه، علاقه نیز دخیل است. در تشکل‌های دولتی محدودیت وجود دارد اما در تشکل‌های غیر دولتی آن چیزی که اتفاق می‌افتد به ذهن تصمیم‌گیرندگان

عروسک‌ها دایره معنایی خود را نباید بر حسب اتفاق به دست آورند.

حضور جوانان را در این جشنواره چطور دیدید؟

پاسخ به این سؤال نیاز مند تحلیل با مطالعه است من ترجیح می‌دهم جمله‌ای توصیفی بگویم: هیچ اشکال و ایرادی به جوانان ما وارد نیست.

راه‌کارها و پیشنهاد شما برای رشد و اعتلای تئاتر عروسکی چیست؟

به نوع استدلال اول مصاحبه بر می‌گردم. واژه پیشنهاد از دو واژه پیش + نهاد تشکیل شده است، علی‌رغم کوشش‌های مسئولان و جان فشانی‌های اهالی تئاتر که کم نبوده و علی‌رغم دارایی‌های این حوزه که کم نیست، بسترهای علمی تئاتر عروسکی ایران بسیار دورتر از پیش و نهاد است، فعلاً در آن نه پیش است و نه نهاد.

شما تجربه برگزاری دو سمینار در دو دوره گذشته جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی را در کارنامه کاری خود دارید و این بار نیز سمینار سنت و عروسک را در جشنواره نمایش‌های عروسکی برگزار می‌کنید، هدفتان از برپایی این سمینارها چیست؟

سه هدف برای من اهمیت دارد ۱- رویکرد آئین‌ها و سنت در این سمینار پر رنگ شود، ۲- دنبال مباحثی برویم که افق روشنی در مباحث نظری به ما می‌دهد که همان بحث پیرامون میان رشته‌های هاست و ۳- تألیف مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی که در این سمینار توسط پژوهشگران داخلی و خارج از کشور ارائه می‌شود، البته مجموعه‌هایی که قابلیت چاپ داشته باشند.

شما در کنار دیگر فعالیت‌هایتان ریاست یونیمای ایران را به عهده دارید. یونیمای ایران از زمان برگزاری انتخاب تا الان چه اقداماتی انجام داده؟

اولین اقدام یونیمای برگزاری انتخابات بود که یکی از اهداف یونیمای همین امر است، دیگر اقدام یونیمای ایران این بود که ما دو سال حق عضویت خود را به یونیمای جهانی پرداخت نکرده و کرسی‌هایمان را در آنجا از دست داده بودیم که با کمک مرکز هنرهای نمایشی این حق عضویت پرداخت شد و کرسی‌هایمان را دوباره به دست آوردیم با این تفاوت که قبلاً دو کرسی داشتیم و الآن ۴ کرسی.

همچنین نمایندگان یونیمای ایران در مجمع یونیمای جهانی که در کشور هلند برگزار شد، شرکت

حمیدرضا اردلان از جمله پژوهشگران حوزه هنرهای نمایشی است که اقدامات به سزایی را در این رابطه انجام داده است.

او در دو دوره گذشته جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی، سمینار بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی را با حضور میهمانان خارجی برگزار و تعدادی از مقالات ارائه شده در آن سمینار را به چاپ رساند.

این بار نیز سمینار سنت و عروسک را در قالب سیزدهمین جشنواره نمایش‌های عروسکی برگزار می‌کند و قصد دارد همچون سمینارهای گذشته مقالات آن را به چاپ برساند. اردلان همچنین ریاست یونیمای ایران را به عهده دارد و به نمایندگی از یونیمای ایران در بازبینی بخش صحنه‌ای این دوره از جشنواره نمایش‌های عروسکی فعالیت داشته است.

به نظر شما سطح کیفی نمایش‌ها از لحاظ نمایشنامه نویسی، کارگردانی و... چطور بود؟

اگر بخواهیم به موضوعات دقیق و عمیق نگاه کنیم، همین واژه دارای اشکال بنیادی است زیرا آن چیزی که سطح است، عمق نیست.

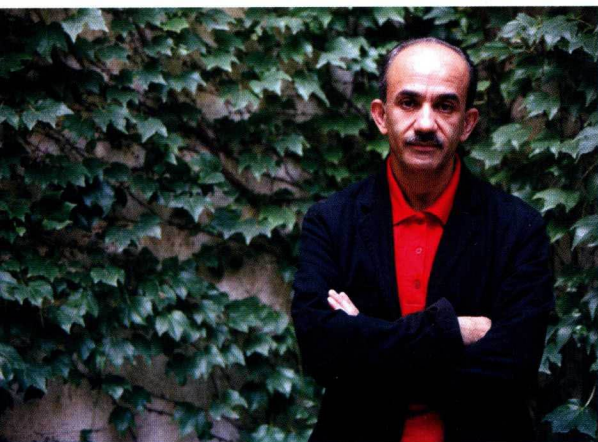
باید بگویم که اغلب کارهایی که توجه بنده را به خود جلب کرد، آثار تجربی بودند، اغلب کارهایی که متن داشتند، کمتر در ساختار، عناصر معاصر تئاتر را دارا بودند مگر بطور استثنا. ما هنوز در نگارش متون نمایشی لاف‌لر در حوزه نمایش عروسکی به این ادراک حصولی و حضوری نرسیده‌ایم که ذهن تجربی و یا به نتیجه رسیده خود را نگارش کنیم، نگارش دقیق. من معتقدم در حوزه کارگردانی، تشخیص کارگردانی به استحکام لازم نرسیده و ما در کارگردانی‌هایمان شواهد و نشانه‌های ظهور فرایندی را که مکتب ساز باشد، نمی‌بینیم.

ویژگی بارز و اصلی نمایش‌های صحنه‌ای این دوره از جشنواره را چه چیزی می‌دانید؟

ایده‌ها و طراحی‌های خلاقانه نمایشگران ویژگی اصلی آثار این بخش بود که به نظر می‌رسد در وادی ایده و طرح بسیار پیشرفت کرده ایم تا جایی که در مواجهه با مواردی متعجب و به شگف می‌آیم اما در عین حال اغلب آثار از نگارش، کارگردانی‌ها و بازیگری از کمبودهای اساسی برخوردار است.

ساخت عروسک‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

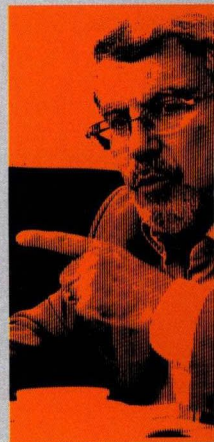
عروسک‌ها ساخته شده بودند، من فکر می‌کنم این برای یک عروسک کافی نیست که فقط ساخته شود، هر چند واژه ساختن در ترمینولوژی واژگان هنر ایرانی بسیار پر معنی است. قدم اول مطالعه بر سر موضوعی است که عروسک‌ها می‌خواهند حامل آن باشند،



بر می‌گردد و تجربه نشان داده که فرهنگ در جایی رشد بیشتری داشته که تشکل‌های غیر دولتی و به عبارتی مردم فعال‌تر باشند.

نحوه تعامل یونیمای ایران با یونیمای جهان چگونه است؟

ما از تمامی فعالیت‌های یونیمای جهانی اطلاع داریم و آن‌ها هم متقابلاً از فعالیت‌های یونیمای ایران با خبرند. حتی دبیر و رئیس یونیمای جهانی به دعوت مرکز هنرهای نمایشی برای شرکت در سیزدهمین جشنواره نمایش‌های عروسکی به ایران می‌آیند و ژاک ترودو دبیر یونیمای جهانی در سمینار سنت و عروسک به ایراد سخنرانی می‌پردازد.



پروفسور حسین شهنشانی

«بت، صنم، لعبت و عروسک در ادبیات عرفانی ایران» عنوان مقاله دکتر حسن شهنشانی است که در سمینار «سنت و عروسک» ارائه شد. او در مقاله‌اش به بررسی ادبیات عرفانی و کارکردهای آن در هنر پرداخته بود. شهنشانی علاقه خاصی به تمثیل‌ها دارد و مدتی هم در دانشکده‌های تئاتری و سینمایی به تدریس ادبیات، تمثیل‌شناسی و دروسی از این دسته اشتغال داشته است.

او در این سال‌ها تلاشش را در زمینه مطالعه و تحقیق روی زبان مشترک ادبیات و هنر معطوف کرده است. به همین بهانه با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

چرا این عنوان را برای مقاله‌تان و سمینار «سنت و عروسک» انتخاب کردید؟

در حقیقت این موضوع انتخاب و پیشنهاد دکتر اردلان و برخی دیگر از دوستان بود. من سال‌هاست که در این زمینه تحقیق و تدریس کرده‌ام و دکتر اردلان هم با علم به این موضوع از من خواست که تجربیات و تحقیقاتم را در قالب مقاله‌ای به این سمینار ارائه کنم.

پس در حقیقت این مقاله نتیجه سال‌ها تدریس و تحقیق دانشگاهی شماست؟

مدت زیادی است که من روی این مسئله کار می‌کنم. دکتر اردلان پیشنهاد داد تا در این سمینار و

بسیار توجه به فضای آن نتیجه‌ای از تحقیقاتم را ارائه کنم. این کار در حقیقت مجموعه‌ای از زبان سمبلیک است که البته در دانشگاه حاصل شده است.

این‌طور که به نظر می‌رسد مقاله شما ارتباط مستقیمی به تئاتر عروسکی ندارد؟

بت، صنم، لعبت و... کارکرد زیادی در نمایش عروسکی دارد اما من در مقاله‌ام بیشتر به وجوه ادبیاتی این عناصر توجه کرده‌ام. شاید این مسائل به ادبیات عرفانی ربط مستقیم داشته باشد اما فراموش نکنیم که عروسک هم نمادی از صنم، بت و... است. من روی عروسک به عنوان یک نماد و یک صنم کار کرده‌ام. البته واژگانی از این دست دارای وجوه مثبت و منفی هستند. صنم گاهی بار منفی و گاهی هم کارکردی کاملاً مثبت و توحیدی دارد.

این مسئله را در ادبیات عرفانی بررسی کرده‌اید؟

در حوزه ادبیات عرفانی ایران زبان نمادین و مجازی است و الفاظ در معانی ثانویه برای ابداع تمثیل‌ها به کار می‌روند. تمثیل‌های بت، صنم، لعبت و عروسک نسبتی عمیق با راز و رمزهای خلقت و خلق انسان بیان می‌کنند. رمزگشایی این نسبت‌ها ما را با کارکردهای ماورایی اشیاء آشنا می‌کند. و این به یاری خرد و اندیشه عرفانی میسر است تا انسان از طریق آن به درک خود و منشاء خلقتش نائل آید.

به نظر شما چه رابطه‌ای میان ادبیات عرفانی و

عروسک‌ها وجود دارد؟

ادبیات عرفانی ما بیش از هر چیزی زبانی نمادین است یا به قول امروزی‌ها سمبلیک است. در ادبیات ما با حقیقت و مجاز روبه‌رو هستیم. در حقیقت کلمات در معنای حقیقی خود به کار می‌روند اما در مجاز در واقع کلمات معنی دیگری غیر از آنچه که ادا می‌شود در خود نهفته دارند. لغات در معنی‌ای غیر از معنای خودشان به کار می‌روند و این تعبیر مفاهیم دیگری را ارائه می‌کنند. در ادبیات حماسی و در نمایش و به خصوص نمایش عروسکی هم زیاد از زبان مجازی استفاده می‌شود.

هنرمندان در آثارشان هم با درک و دریافت از این معنای مجازی است که به خلق آثار هنری دست می‌برند و در حقیقت آنچه تصویر می‌کنند نتیجه همین برداشت و تصویر ذهنی از ادبیات و رمزگذاری‌های آن است.

عروسک هم بر همین مبناست که به صورت یک بت یا صنم پدیدار شده است و جزئی از همان تصویر ذهنی‌ای است که هنرمند دریافت کرده است. همان‌طور که می‌بینیم عروسک زشت نمادی از بدی و شر و پلیدی است. هنرمند در حقیقت عروسک را از حوزه خیال به دنیای ملموس و واقعی آورده است، چرا که هنرمند واسطه معقول و محسوس است.

سودابه فضالی

ریشه هیچ درختی هیچ وقت از بین نمی‌رود

رویدادهایی هستیم. به عنوان مثال کسی درباره تاریخ ظهور و شکل‌گیری بابائونول هم چیزی نمی‌داند و خاستگاه این عروسک و شخصیت و هویت واقعی آن همچنان ناشناس است.

* چه شباهت‌هایی میان مبارک و فیروزه وجود دارد؟

- سخت است که بتوان به حقایقی درباره این‌ها با قطعیت دست یافت. اما آنچه واضح است، این است که از این‌ها دو چهره مانده و در طول تاریخ این‌ها تغییر شکل داده‌اند و تنها از طریق برخی عوامل می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. در حال حاضر تاریخ قطعی و یقینی از آن‌ها نداریم. علت آن هم این است که کل تاریخ ما نهایتاً به ۱۴۰۰ سال پیش بازمی‌گردد و از آن زمان است که تاریخ مکتوب ما شروع می‌شود. عهد باستان و ادیان باستانی هنوز برای ما ناشناخته است. اما آنچه حقیقت دارد این است که ریشه هیچ درختی هیچ وقت از بین نمی‌رود.

آن‌ها نکرده است. در حقیقت هجمه تاریخ است که آن‌ها را بی‌هویت کرده است. چهره‌ها و قهرمان‌های سنتی نمایشی، خیمه شب‌بازی، کارناوال‌ها و تک‌گویی‌های نمایشی همگی از مبدای آیینی و مذهبی آمده‌اند. اگر نمایش‌ها و عروسک‌های خیمه شب‌بازی هند از دو حماسه رامایانه و مهابهاراتا گرفته شده، اگر از آن یونان و روم از اساطیر یونان و بسیاری از کارناوال‌های رومی از آیین کوبله فرودبایی گرفته شده، و امثال آنها... به یقین می‌توان اثبات کرد که فیروزه و مبارک از آیینی باستانی برآمده‌اند، و هجمه تاریخ خاستگاه آنان را حذف کرده و به موجوداتی بی‌ریشه بدل کرده است.

* این اتفاق در مورد مبارک و فیروزه به چه شکل رخ داده است؟

- نهایت تاریخی که برای این‌ها قائل می‌شوند دوره صفوی و قاجار است در حالی که ریشه این‌ها به قبل از میلاد بازمی‌گردد. البته این اتفاق درباره این عروسک‌ها رخ نداده و در تمام دنیا شاهد چنین

مبارک و فیروزه دو عروسک کهن ایرانی هستند که جایگاه خاصی در نمایش عروسکی ایران دارند اما تاکنون به ریشه‌های شکل‌گیری این عروسک‌ها کمتر توجهی شده است. سودابه فضالی از آن‌ها به عنوان دو چهره ملی یاد می‌کند و از همین رو این عروسک‌ها را موضوع مقاله‌اش قرار داده است.

* از میان این همه عروسک ایرانی شما مبارک و فیروزه را انتخاب کرده‌اید، قطعاً این انتخاب تان دلیل خاصی دارد.

- مبارک و فیروزه دو چهره ملی و مهم هستند و هر دو خاستگاهی قدیمی دارند. در عین حال خودم هم با آن‌ها خیلی هم‌ذات‌پنداری می‌کنم و حتی معتقدم این دو هم‌زاد هم هستند...

* مذهب و آیین‌ها چه تأثیر و جایگاهی در شکل‌گیری این عروسک‌ها دارد؟

- اصولاً هر نمایشی مبدای آیینی دارد. در همه جای دنیا شخصیت‌های باستانی و قدیمی هستند که خاستگاه اصلی آن‌ها گم شده و کسی توجهی به

نقوش و عروسک‌هایك ریشه دارند

دکتر مژگان جهان‌آرا

و هم نقوش از یک منبع بیرون می‌آیند. پس یعنی معتقدید نقوش کهن و عروسک‌های نمایشی کهن هر دو از یک مفهوم و محتوا بر خوردار هستند؟

بله، در حقیقت نقوش و عروسک‌ها یکی هستند فقط نقش و کاربرد آن‌هاست که فرق می‌کند و در جنبه‌ها و عرصه‌های مختلف هنری به صورت یک نمود جدید و یک نگاه تازه پدیدار می‌شوند.

چه تفاوت‌های ساختاری و اساسی میان آن‌ها وجود دارد؟

در هنرهای مختلف عموماً نقوش تکمیل‌تر و همچنین به لحاظ قدمت هم ریشه‌دارتر هستند و طراحی و فرم آن‌ها هم خاص‌تر و منحصر به فردتر هستند و قابلیت‌های شناسایی بیشتر و بهتری هم دارند اما عروسک‌ها از لحاظ شکل و ترکیب ساختار قوی‌تری دارند و به لحاظ قدمت هم کمتر تاریخ و پیشینه‌ای از آن‌ها وجود دارد و به خصوص در هنرهای نمایشی هم کمتر دیده شده که تاریخچه و منبع قابل استنادی از آن‌ها وجود داشته باشد.

اما آن‌چه بیشتر در این زمینه تجلی یابد ترکیب آن‌ها و استفاده ترکیبی از این هنرها و عروسک‌هاست که در نقوش کمتر چنین چیزی دیده می‌شود.

مختلفی مثل فرش، پارچه، لباس و... را مطرح کرده‌ام.

چه نمونه‌ها و نقوشی را مشترک میان بافت‌ها و نمایش‌های عروسکی یا عروسک‌ها دریافت کردید؟

عموم نمونه‌هایی که مطرح شد، نقوشی مثل شیر، پرنده و... بودند که نمونه‌های عروسکی این تمثیل‌ها در بازی‌های نمایشی و عروسک‌ها کاربرد بیشتری دارند. این تمثیل‌ها در نمایش و بازی‌های نمایشی زیاد به کار می‌روند و در عین حال در بافت‌های زیادی هم دیده می‌شوند.

درباره رابطه نقوش و عروسک‌ها هم تحقیق و بررسی انجام داده‌اید؟

تمام عروسک‌هایی که به صورت عامیانه و نمایشی داریم از یک مضمون و محتوا برخوردار هستند. عمدتاً این نقوش و عروسک‌ها دارای نوعی رابطه تنگاتنگ هستند و نمی‌توان گفت این ارتباط اتفاقی بوده است. در حقیقت این نقوش هستند که در عروسک‌های نمایشی تجلی پیدا کرده‌اند. با این تفاوت که در نقوش بدوی و دو بعدی هستند اما در نمایش‌ها ۳ بعدی می‌شوند، مدل هستند، شخصیت پیدا کرده‌اند و کاربرد دراماتیک بیشتری دارند. البته در هر دو حوزه عمدتاً حکایت‌گر یک رویداد هستند و این وجه اشتراک آن‌هاست و در نهایت هم عروسک‌ها

«نقوش و عروسک‌ها» عنوان مقاله دکتر مژگان جهان‌آرا است که در سمینار «سنت و عروسک» ارائه شد. او در آن مقاله به نوعی به بررسی تطبیقی نقوش و عروسک‌ها پرداخته بود. نقوش ایرانی تأثیر و کارکرد اساسی و زیادی در شکل‌گیری عروسک‌های ایرانی دارند و از همین رو بوده که جهان‌آرا این موضوع را به عنوان مقاله‌اش انتخاب کرده است.

همچنین حدود ۱۰ سالی است که در زمینه نقوش و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها تحقیق و پژوهش می‌کند.

در مقاله‌تان چه رویکردی به نقوش و ارتباط آن‌ها با عروسک‌ها داشتید؟

نقوش به دو نحو واقع‌گرایانه یا تجربیدی رسم می‌شوند. در هر دو صورت گستره نامحدودی از نقوش ظهور می‌یابند، که بخش مهمی از آن‌ها نقوشی است که با تصاویر عروسک‌ها را تداعی می‌کنند و یا بر خود عروسک‌ها رسم می‌شوند.

بررسی پروسه تکوین و کارکردهای نقوش مرتبط با عروسک‌ها نشان می‌دهد که این امر اشتراکات فراوانی میان فرهنگ‌های مختلف دارد. با توجه به این که سمینار مرتبط با نمایش عروسکی است بیشتر وجوه و اشتراکات میان آن‌ها را مبنا قرار دادم و تا حدی تأثیر نقوش بر عروسک‌ها و همچنین بازی عروسک‌ها در نمایش و حضور آن‌ها در بافت‌های

در این باره صورت نگرفته که در جایی درج شده باشد و برای دیگران قابل دسترسی باشد. در حقیقت من هم به دلیل علاقه شخصی‌ام و همین‌طور موضوع سمینار که مرتبط با نمایش عروسکی است این موضوع را انتخاب کردم.

قبول دارید در این سال‌ها نمایش خیمه‌شب‌بازی به ویرترین و نمادی از نمایش عروسکی ایرانی تبدیل شده و همگان تأثیر عروسکی را با نمایش خیمه‌شب‌بازی می‌شناسند؟

خیمه‌شب‌بازی یک عنوان کلی است و عموماً هر وقت این عنوان مطرح می‌شود به‌طور کلی نمایش عروسکی خاصی را تصویر می‌کنیم.

در حقیقت تمام نمایش عروسکی ایرانی را در چارچوب خیمه‌شب‌بازی تصویر می‌کنیم و حتی بازی با عروسک را هم باز در همین چارچوب می‌گنجانیم.

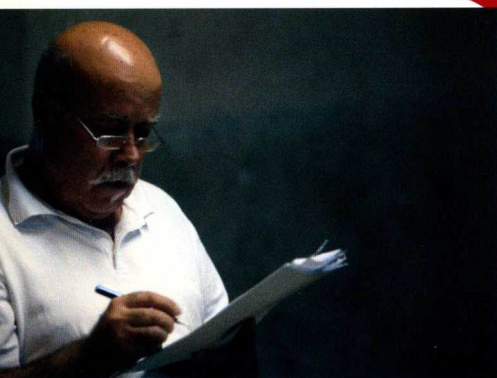
خیمه‌شب‌بازی یکی از شناخته‌شده‌ترین هنرهای نمایشی عروسکی ایرانی است که اغلب ایرانیان شناخت و تسلط خوبی بر آن دارند و همواره جایگاه خاص و ویژه‌ای میان ایرانیان داشته است. شاید به جرأت بتوان گفت قدیمی‌ترین عروسک به‌جای مانده در اذهان مردم ایران همین نمایش خیمه‌شب‌بازی و عروسک خیمه‌شب‌بازی باشد که هنوز در میان مردم رواج دارد و در جشنواره‌های مختلف شاهد حضور خیمه‌شب‌بازی و به تبع آن استقبال مردم از این هنر کهن و اصیل ایرانی می‌شویم.

یوسف صدیق از دوران دانشجویی به این مقوله علاقه‌مند بوده است و حتی پایان‌نامه‌اش که البته بعدها هم به عنوان کتابی مرجع در این زمینه منتشر شد، در همین ارتباط و با عنوان «پژوهشی در خیمه‌شب‌بازی ایرانی» بوده است.

او امسال با مقاله‌ای تحت عنوان «خیمه‌شب‌بازی ایران» در سمینار سنت و عروسک حضور داشته است. به همین بهانه با او گفت‌وگویی انجام دادیم که می‌خوانید.

نمایش خیمه‌شب‌بازی نمایشی شناخته شده برای مردم ایران است؛ آیا وجوه ناشناخته‌ای از این نمایش عروسکی را پیدا کرده‌اید که این موضوع را برای مقاله‌تان انتخاب کردید یا این که دلیل دیگری برای این انتخاب‌تان داشتید؟

عروسک و نمایش خیمه‌شب‌بازی وجوه ناشناخته‌ای ندارد. البته درباره این موضوع اطلاعات زیادی هم در دسترس نیست و تاکنون تحقیق و پژوهش خاصی



عروسک‌های ملل مختلف با یکدیگر فامیل هستند

هم برداخته‌اید؟

-اشیا مفاهیم میتولوژیک را با خود حمل می‌کنند. یکی از عرصه‌های گذرهای مفهومی به کارکردهای میتولوژیک، ابداع تندیسک‌های طلسمی است. البته قرار نبود در مقاله به مباحث فرمی بپردازم اما نمی‌توان ارتباط آن‌ها را هم ندیده گرفت. استحاله یکی از عناصر مهم نمایش‌های عروسکی است و حس همذات‌پنداری هم بزرگترین دستاور نمایش عروسکی است. چرا که بچه‌ها با ماشین، عروسک و وسایل بازی‌شان همراه و همگام می‌شوند. حتی در برنامه‌های تلویزیونی این اتفاق میان آنان و مجری هم شکل می‌گیرد.

در مقاله‌ام در ارتباط با نمایش عروسکی بیشتر به این موضوع پرداخته‌ام که باید سیر تحول زندگی حیوانات را نمایان سازیم و اگر می‌خواهیم کار مفیدی برای بچه‌ها انجام دهیم باید دانش زیست‌شناسی آنان را افزایش دهیم.

*در مقاله‌تان چه هدفی را دنبال می‌کردید؟

- انسان‌ها دارای باورهایی هستند که این باورها در طول تاریخ به تندیس‌ها منتقل شده و حالا همان تندیس‌ها هر کدام به شکلی و به نوعی به یک نماد و نشانه تبدیل شده‌اند. به عنوان مثال گردنبد صلیب نماد مسیحیت است و همگان بر آن وقوف دارند یا علامت رایش سوم بر بازوی سربازان نمادی از ارتش هیتلر است و... در واقع همین نمادها و تندیس‌ها هم نوعی نمایش هستند و نمایش لزوماً نباید بر صحنه شکل بگیرد.

در گذشته همگان می‌پنداشتند که تمام عناصر چون باد، آتش، زمین، آسمان و... هر یک دارای خدایی هستند و به همین دلیل برای هر کدام از آن‌ها یک تندیس می‌ساخته‌اند که این تندیس‌ها مربوط به اندیشه و باور است حتی در پزشکی و... کاربردهای فراوانی پیدا کرده است و اعتقادات مردم را همین باورها رقم زده‌اند.

* در مقاله‌تان به ارتباط میان این نمادها و تندیس‌ها و ارتباط آن‌ها با نمایش‌های عروسکی

«تندیسک‌های طلسمی و کارکردهای میتولوژیک آن‌ها» عنوان مقاله پروفسور رقیه بهزادی است که در سمینار جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی ارائه شد. او معتقد است که در فرهنگ‌ها اجسام به اشیاء و اشیاء به اشیاء دیگر تبدیل می‌شوند و هنگامی که اشیاء کارکردهای نوین می‌یابند، این کارکردها فراگیر می‌شوند و در پروسه تاریخ می‌مانند. به همین بهانه بسا او گفت وگویی کوتاهی انجام داده‌ام که در زیر می‌خوانید.

*چرا این موضوع را به عنوان موضوع مقاله‌تان انتخاب کردید؟

-البته این عنوان را خیلی شتاب‌زده و با عجله انتخاب کردم؛ چرا که فرصت زیادی برای تحقیق وجود نداشت و خیلی دیر دکتر اردلان این مسئله را به من اعلام کرد و تا سمینار هم فرصت کمی داشتم. البته این به آن معنی نیست که نتوانستم کاری را که می‌خواستم انجام داده باشم. در حقیقت فرصت برای انتخاب موضوع کم بود و این موضوع به من پیشنهاد داده شد.

حلول باورها

فرناز بهزادی

*عوامل دیگری هم در این قضیه دخالت داشته‌اند؟

-در زمانی که نمایش عروسکی در دنیا باب می‌شود، به خاطر مشکلات و به لحاظ محدودیت‌های تئاتر صحنه‌ای و سهیل الوصول بودن نمایش عروسکی، این گونه نمایشی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد و همین راحت بودن نقل و انتقال و دکور کوچک و... سبب رشد آن می‌شود.

*در مقاله‌تان اشاره کردید که این عروسک‌ها با هم ارتباط خانوادگی دارند، این نکته را چگونه بررسی و ارزیابی کرده‌اید؟

-من شباهت‌های زیادی میان مبارک، پتروسکا و قره‌گوز دیدم و از همین رو معتقدم این‌ها همه عضو یک خانواده هستند. البته این یک فرضیه از جانب من است و معتقدم هنوز این مسئله جای کار دارد و من خودم را محقق و پژوهشگر نمی‌دانم ولی اگر پژوهشگران و محققان بخواهند روی این مسئله کار کنند، جای کار زیادی وجود دارد. من با بررسی شخصیت‌های آن‌ها و شباهت‌هایشان این فرضیه را مطرح کرده‌ام.

*چه ارتباطی میان این عروسک‌ها و فرهنگ‌های سرزمین‌های آنها وجود دارد؟

-بیشتر کشورها در جهان دارای شخصیت‌های عروسکی ثابتی هستند که همین عروسک‌ها گویای تاریخ و فرهنگ جامعه همان کشور شده‌اند. این عروسک‌های مشهور، سال‌هاست که نسل به نسل برای کودکان و نوجوانان مناطق مختلف در جهان، نمایش اجرامی کنند.

در دوره‌هایی که از رسانه‌های گروهی و اینترنت خبری نبوده و جشنواره‌های عروسکی انجام نمی‌گرفته، جالب است بدانیم که ارتباط بین این عروسک‌ها در مناطق مختلف چشمگیر است. بیشتر این شخصیت‌ها نکات مشابهی دارند و حتی ریشه خانوادگی آن‌ها را می‌توان در یکدیگر جست‌وجو کرد...

*چگونه است که این عروسک‌ها در شرایطی که به آنها اشاره می‌کنید، وجهی جهانی پیدا می‌کنند؟

-جهانی شدن شخصیت‌های عروسکی را ما به هنرمندان و نمایشگران دوره گردی مدیونیم که عروسک‌ها و نمایش‌هایشان را در مناطق مختلف جهان جابه‌جا و به مردم دنیا معرفی می‌کردند.

فرناز بهزادی محقق، پژوهشگر و کارگردان پیشکسوت نمایش عروسکی معتقد است شخصیت‌های ثابت عروسکی در جهان در تمام کشورها دارای شخصیت ثابتی هستند. از همین رو او در مقاله‌ای که در سمینار جشنواره تئاتر عروسکی ارائه داده، ارتباط میان عروسک‌ها در میان ملل مختلف را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

*چرا ارتباط میان عروسک‌ها را در میان اقوام و ملل مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اید؟

-من معتقدم ارتباط پنهانی میان تمام عروسک‌های دنیا وجود دارد. عروسک یونچینلا، جکل، پتروسکا، مبارک و... همه به نوعی با هم دارای ارتباط هستند که همین ارتباط سبب شده تا نمایش عروسکی به هنری جهانی بدل شود.



در بیابان به شوق کعبه

ندا آل طیب

بهر روز غریب پور، از عروسک‌های می‌گوید

در اپرای عروسکی که من کار می‌کنم، تجمیع شده است. ذهنم را به مداد تراش و قلم صحنه‌ای را به مداد مانند می‌کنم. مدام کوشیدم این قلم را تیزتر کنم. اپرای عروسکی تجمیع هنرهای تجسمی، موسیقی، شعر، ریتم و انواع عروسک‌هاست.»

او عروسک‌های نخستین اپرای عروسکی خود «رستم و سهراب» را با کمک هنرمندان اتریشی ساخت اما بعد تمام عروسک‌های آثار بعدی او را هنرمندان ایرانی در داخل کشور ساختند: «در اتریش اپرای عروسکی را برای تقلید اپراهای موفق اجرا می‌کردند یعنی عروسک‌هایی به شکل و شمایل خوانندگان معتبر اپرا، اما من از همان آغاز بر مضامینی کار کردم که قبلاً سابقه ذهنی در مورد آن‌ها وجود نداشته است.»

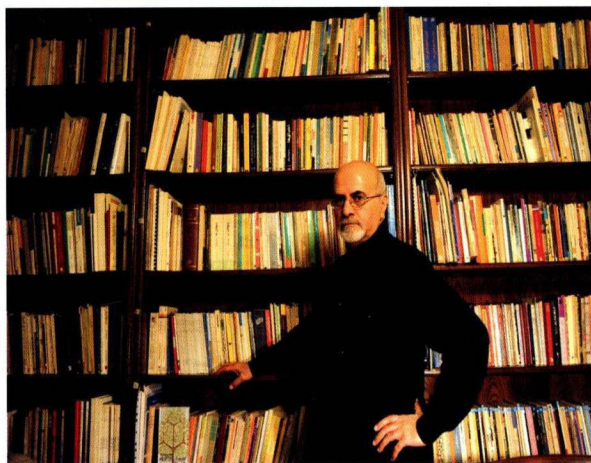
برای بهروز غریب پور اپرای عروسکی فرصتی است برای توجه بیشتر به فرهنگ ایران: «اپرای عروسکی نقطه و دایره‌ای است که می‌تواند بخش عمده‌ای از ادبیات منظوم کلاسیک ایرانیان را در نهایت جذابیت و درخشانی برای مردم ما زنده و بیدار کند. قصه‌های منظوم و بسیاری از آن‌چه صحنه نه قدرت و نه توان آن را دارد، با این زبان بهتر قابل ارائه است.»

او که سال‌ها برای گردآوری اسناد، مدارک و عروسک‌های سنتی ایران تلاش کرده و به گفته خودش در راهی نامعلوم گام نهاده، هرگز از این انتخاب پشیمان نشده است: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم...»

خارها کف پایم رفته، در روح و جانم، آزارها، بی‌توجهی‌ها، ناسپاسی‌ها و نامردی‌ها دیده‌ام اما هرگز از انتخاب این راه نه پشیمان شده‌ام و نه دلخور. هر چند این راه برای خودم بسیار سخت و دردناک بود چون راه نرفته‌ای را طی کردم. اما خوشحالم از کسی تقلید نکردم. خودم معلم خودم بودم. هر چه را روی کره زمین قابل دیدن، شنیدن و استفاده بود، جذب کردم. هرگز از این ناهمواری‌ها ناراحت نشدم.»

را صرف چند کار گوناگون کرد. حتی در زمانی که در گروه مهین اسکویی برای یادگیری شیوه بازیگری استانیسلاوسکی حضور داشتم همواره می‌گفتم بازیگری را یاد می‌گیرم ولی روی صحنه نمی‌روم.»

بهر روز غریب پور در سال‌های بعد نشان داد به این اندیشه وفادار بوده است. بعد از حضور در مرکز تئاتر کانون که سال ۱۳۶۰ اتفاق افتاد، نخستین تجربه جدی خود را در کارگردانی تئاتر عروسکی با نمایش «بابا بزرگ و ترب» به انجام رساند: «وقتی مدیر مرکز تئاتر کانون شدم، قصدم این بود که میزبان دیگران باشم. آن زمان اولین نمایشگاه عکس و اسلاید را در



کانون بر پا کردم اما کسی نیامد. وقتی دیدم این مرکز را که با تمام عشق و انگیزه‌ام ساختم، بدون تماشاگر مانده، «بابا بزرگ و ترب» را کار کردم.»

برای او که شیفته جهان اشیا و زنده پنداشتن آن‌هاست، جهان نمایش عروسکی حتی در آثار صحنه‌ای‌اش هم دخیل است: «در بسیاری از آثارم سایه نقش اساسی دارد. هیچ نمایشی نداشته‌ام که سایه در آن نباشد. بخشی از تئاتر صحنه‌ای ما و مدار جهان تخیل و سایه‌هاست.» بهروز غریب پور در این سال‌ها بیشتر انرژی و زمان خود را به اجرای اپراهای عروسکی اختصاص داده است. او در جشنواره عروسکی اسمال هم اپرای عروسکی مولوی را اجرا می‌کند: «عناصری که در تئاتر عروسکی وجود دارد،

بهر روز غریب پور بدون شک یکی از نام‌های ماندگار تئاتر عروسکی ایران است. او علاوه بر اجرای متعدد آثار عروسکی، فعالیت‌های اجرایی درخشانی مانند فعال کردن مرکز تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری، دبیری مبارک یونیم، حضور در مجامع بین‌المللی به‌عنوان نماینده تئاتر عروسکی ایران و... را دارد. غریب پور در این سال‌ها بیشتر فعالیتش را بر اجرای اپراهای عروسکی متمرکز کرده است. به انگیزه اجرای اپرای عروسکی مولوی با او گفت‌وگویی داریم که می‌خوانید.

نه تلویزیون بود و نه رادیو، در سنج حتی خبر چندانی از نمایش هم نبود. اما این کودک که کودکی متفاوتی با هم‌سالانش داشته است، عاشق خیمه‌شب‌بازی بود و شبیه‌سازی با اشیا. هنوز صدای مادر در گوشش است که اسباب شاه سلیم می‌گفت و از کودکی که صدای بی‌بی جان را تقلید می‌کرد. در ده سالگی بود که بین چرخ‌وفلک و خیمه‌شب‌بازی، جزو معدود تماشاگرانی بود که دومی را ترجیح داد و جادوی مبارک و خیمه‌شب‌بازی او را آورد به سال‌های آینده تا در ۱۴ سالگی کار تئاتر را آغاز کند و در ۲۰ سالگی در جست‌وجوی مبارک به معبد نمایشگران تقلید و خیمه‌شب‌بازی آن زمان، راسته سیروس، راه پیدا کرد. در همین جا بود که با شیخ احمد خمسه‌ای، مرشد نعمت‌الله عباسی، علی پرستار و... آشنا

شد: «در آن سال‌ها که حتی استادان ما هم نمایش عروسکی ندیده بودند، سوار قایقی شدم که قطب‌نما نداشت، امواج آب هم آرام نبود، به سوی مقصدی نامعلوم می‌رفتم اما دوست داشتم این سفر را.»

سال ۵۲ همان سالی بود که هفته خیمه‌شب‌بازی را برگزار کرده است. در همان سال در نمایش «شنل هزار قصه» کار اسکار بانک بازی کرد و با این‌که آهنگسازی نمی‌دانست ولی موسیقی این نمایش را ساخت. فلوت را اسکار بانک می‌نواخت و تنبک را بهروز غریب پور. اما این تنها تجربه بازیگری او در تئاتر است: «حس کردم نباید استعدادم را صرف کارهای مختلف کنم چون حیطه کارگردانی به اندازه کافی زمان و انرژی لازم دارد. نباید این نیرو

13th Biennale at Glance

The 13th International Puppet Show Biennale was opened on 22th July 2010 in different halls of Tehran. It will be closed along the ceremony in Niavaran cultural house on 28th July.

The biennale has many parts and sections such as stage plays, out-door shows, round theatres, workshops, academic roundtables, and... There are many international guests from France, Germany, Netherlands, Swiss, Bosnia and Herzegovina, Argentina, England, and Italy.

In the stage theatre part, there were 319 participated works that 21 of them were chosen to perform in the festival. They were selected by Hamid Reza Ardalan, Yousef Sedigh, and Azadeh Pour Mokhtar.

There were 42 participated works for out-door theatre part but only 25 of them were chosen to be performed in the festival by Moslem Ghassemi, Iraj Mamadi, and Fariba Raeesi.

26 university theatres participated and 6 of them were selected for the festival by Ali Pakdast, Karim Saeedian, and Mansour Pakbin. 6 plays based on Holy Quran stories, 6 puppet show in children and young adults part and 6 theaters which were directed by

theatre masters in "Guest" section will be performed. The biennale secretariat received 42 texts to participate in the festival and 3 of them were selected in play writing section by Davoud Kianian, Javad Zolfaghari, and Hamidreza Ardalan. However, in international section there were 127 participant that 111 of them were selected to perform in the biennale as out-door theatres or the stage ones.

Halls

14 theatre halls of Tehran are host of Puppet Show Biennale including 5 City Theatre Complex's halls, Honar hall, Sangelaj hall, Theatre Office house of play, Boustan and Golestan halls, Mehr o Mah hall, Ferowski hall and Persian Gulf hall of Niavaran Cultural House. They'll open theatres for the festival on July 22th.



Holding the International Puppet Show Seminar of "Puppet and Tradition" as one of the side programs of the 13th International Puppet Show biennale-Mobarak. There were many Iranian and international guests at there who welcomed warmly the seminar. The seminar was held for considering the issue of puppet and tradition at its main topic, but there were many papers which are not only about these two subjects. They had new hypothesis in this field. Dr. Hamid Reza Ardalan, researcher who was the director of the biennale last year, was in charge of seminar of ritual-traditional theatre festival. He was manager of "puppet and tradition" seminar too. He has written a paper under the title of "Black color of Mobarak as Aspect of Absent Figure". 15 Iranian researchers participated in "puppet and tradition" seminar and 8 International ones presented their papers.

Dr. Ardeshir Salehpour(director

of 13th international puppet show biennale-Mobarak) and Behrouz Gharibpour, master of puppet show directing and creator of puppet operas like Rostam and Sohrab, Mowlavi, Ashura, and Mackbeth were some of the most famous artists who presented their papers in the seminar.

Professor Roghiyeh Behzadi, Dr. Hojjat Asadian, Dr. Mozghan Jahanara, Mohammad Reza Aslani, Mohammad Beheshi, Dr. Mansour Felaki, Soudabeh Fazaeli, Yousef Seddigh, Poopak Azimpour, Dr. Hassan shahrestani, and Homa Jeddikar were present in the "puppet and tradition" seminar.

Jacque Tredeau, Director of world UNIMA from Canada and Daddy Budamji from India was present at the seminar.

There were many other guests from Italy, France, Turkey, Serbia, and Poland. They'll presented their papers in the seminar too. In addition to present of different papers at the seminar, this year

seminar had roundtable too. Mohammad Beheshi and Mohammad Reza Aslani were host of the roundtable.

"Atmosphere, Cinema and Puppet" is the title of roundtable. Papers covered different subjects on puppet and tradition. Some of them are interesting because of their content, and some others are good because they speak about new and modern issues.

"Talisman statues and their mythological functions" by Prof. Behzadi is about puppet functions and their place during all time and its potential to change. Poopak Azimpour also wrote "15 years research for puppets' culture and Iranian puppet show".

Soudabeh Fazaeli also has a paper under the title of "Sympathetic study on Firouz and Mobarak and comparing their signs and origins". "Permanent Puppet characters in the world" is the subject of Farnaz Bahzadi's paper. In her paper, she talks about family relationship of the

puppets based on some documents. International papers are also very interesting and will be extreme useful for Iranian audiences or students. Dominique Skaffulio from Italy compare Bald Hero with Polchimmella and has comparative study on these two puppets. Dr. Lia Zola, again from Italy, presents "Bear Mask in Italian Winter

Carnivals" and she considered and analyzed several complexes of paternal traditional carnivals of Italy. "History of Serbian Puppet show" is another topic written by prof. Radoslav Lazic from Serbia. It studies the story of Serbian puppet show since 21th century. International Seminar of

"Tradition and Puppet" was held in City Theatre Complex conference hall since 21-23 july 2010. Many Iranian and international artists, researchers, and professors were participated in it.

Puppet and Tradition

REVIEW OF
THE 13TH
INTERNATIONAL
PUPPET SHOW
SEMINAR

Mobarak

Daily Bulletin of the 13th
Tehran International
Puppettheater
Festival-mobarak 21 Jul 2010

Dramatic
Arts
Center



انجمن هنرهای نمایشی ایران

